

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي کارگری ایران

حاصل اتحاد تاريخی کارگران سنديگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۴ / سال ششم / دی ۱۳۹۵ / نشریه سنديگای کارگری ایران



سنديگای کارگران  
نقاش و تزئينات

تاسيس: ۱۳۴۸



سندھيگای  
کارگران  
شركت  
طرح  
نقاش  
مختل آبه



اتحاديه  
نيروی کار  
پروژه های



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

در این شماره می خوانید:

سرپیام ص ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۶

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۲۶

یلدا بر بهبود خواهان زحمتکشان و صلح دوستان شادباش! ص ۵۶

مصاحبه کوشندگان کارگری با ایلنا ص ۵۸

شهر اندیشه یا شهر مغازه ها و پاساژها ص ۶۶

چرای خشم کارگران ص ۶۷

واگوبه ص ۶۹

روستاها و بلایی به نام آفازاده ها ص ۷۱

دو شعر از حسین امیدی (ارومان) ص ۷۲

بیست و نهمین گزارش از کلاس های سواد آموزی ص ۷۵

منشور شهروندی یا قانون اساسی ص ۷۶

سازمان های مردم نهاد و وظایف مبارزان ص ۷۷

من اقتصاددان نیستم، آیا تورم تک رقمی است؟ ص ۷۹

کارآفرین های برتر یا دزدان قانونی ص ۸۰

پس از یک دوره مذاکرات و اعتصاب جمعی... ص ۸۲

دستمزد مساوی و مرخصی زایمان... ص ۸۳

کار تو حرف ندارد... ص ۸۸

سرپیام

## چرا از کتک خوردن کارگران شرکت واحد جلوگیری نشد؟



از روز اعلام خبر تجمع مقابل شهرداری تهران توسط کارگران عضو تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد در روز چهارشنبه ۱۰ آذر تا روز تجمع ۱۴ آذر ۴ روز فرصت بود تا مدیران مرتبط با این موضوع تکانی به خود بدهند تا این برخورد خشن صورت نگیرد.

نگاهی داشته باشیم به این ۴ روز که چه اتفاقی افتاد و چرا مدیران مرتبط با موضوع مسکن، از کتک خوردن کارگران جلوگیری نکردند.

پس از اعلام خبر این تجمع، سندجی مدیرعامل شرکت واحد، قالیباف شهردار تهران، اعضای شورای شهر نیز با خبر شدند. وزارت اطلاعات هم کماکان بی خبر نمی ماند و به همین خاطر حتمن به تیم های حفاظتی قالیباف و اعضای شورای شهر گفته شد که چه تمهیدات امنیتی را باید در روز تجمع اتخاذ کنند.

طبق معمول مدیرعامل شرکت واحد به مدیران تحت امر خود دستور داد که از دادن هرگونه مرخصی در آن روز و حتماً از چند روز قبل نیز موافقت نشود.

مدیران ، سرپرستان و حتا شورایی ها هم به تکاپو افتاده تا این تجمع با افراد هرچه کمتری برگزار شود.

آیا سندنجی نمی توانست از این کتک خوردن جلوگیری کند؟؟ کافی بود به نمایندگان کارگران در شرکت تعاونی مسکن پیام داده می شد و یا با یکی از مدیران مرتبط با این موضوع جلسه ای برگزار می کردند و چنانچه مشکلاتی برسرراه این خانه دار شدن بودرابه نمایندگان توضیح داده و با همفکری هم این موضوع را نگذارند به تنش کشیده شود و یا خود مستقیم وارد ماجرا می شد.

### اما او مبادرت به این کار نکرد. چرا؟؟

سندنجی سالهاست که از سندیکای کارگران شرکت واحد به دلیل محبوبیتش میان کارگران دلخور است و ناراضی. بخصوص از زمان طرح شدن خصوصی سازی در شرکت واحد و مخالفت صریح فعالین سندیکایی و افشاگری های روزمره این کارگران در صفحه تلگرامی اشان او را به شدت عصبانی کرده است. سالهاست که نقشه هایش برای کارگران رو می شود از خنده های مصنوعی تا موضوع خرید اتوبوس از خارج و یا خرید و تعمیر قطعات از شرکت اسنا و افشای فاکتورهای آنچنانی که موضوع افشاگری های کانال تلگرامی فعالین سندیکایی است. همگی این موضوعات باعث گردید تا او برای تنبیه کارگران وارد موضوع مسکن نشود تا این کارگران در خیابان کتک بخورند. کافی بود او مانند یک مدیر مسوولیت پذیر به میان کارگران آمده و آنها را به جلسه ای دعوت کرده و از مدیر بالاترش، قالیباف بخواهد برای حل مشکل مسکن کارگران مساعدت شود. اما او این کار را نکرد تا به کارگران پیامی دهد:

**خواسته های شما را با کتک پاسخ می دهیم و دست از افشاگری و حقوق حقه خود بردارید.**

از روز اعلام تجمع ، قالیباف هم در جریان قرار گرفت و بی تردید با سندنجی تماس گرفته و دستوراتی در مورد برگزار نشدن این تجمع داده است. قالیباف در شرایطی قرار دارد که این تجمع کارگری وضع او را متزلزل تر کرد.

قالیباف می‌توانست به سنندجی، دستور دهد که مشکلات کارگران را بررسی و موضوع مسکن را با یکی از معاونین وی در میان گزارند تا موضوع حاد نشود و تجمع هم صورت نگیرد.

### اما او مبادرت به این کار نکرد. چرا؟؟

شورای شهر هم از طریق مامورین حراست و سنندجی و قالیباف در جریان موضوع قرار گرفت. خانم معصومه آباد قبلن با نماینده کارگران تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد در تجمع قبلی دیداری داشته و قول داده بود که به موضوع رسیدگی کند، که نکرد. معصومه آباد نه تنها خلف وعده کرد بلکه در یک رفتار غیرحرفه‌ای از پذیرفتن نماینده کارگران هم خوداری نمود. اعضای شورای شهر می‌توانستند به جای از پشت شیشه نگاه کردن پا پیش گذاشته و به خواسته این شهروندان گوش کند و در حد توان به حل موضوع یاری رساند و مانع از کتک خوردن عده‌ای از کارگران بیانجامد.

### اما آنها نیز مبادرت به این کار نکردند چرا؟؟

وزارت اطلاعات می‌دانست که چنین تجمعی در روز موعد برگزار خواهد شد چرا به سنندجی و قالیباف و اعضای شورای شهر تذکر نداد که با مذاکره با نمایندگان کارگران موضوع را حل و فصل کنند تا این تجمع به خیابان کشیده نشود و باعث بروز این حوادث دردناک نگردد.

### اما این وزارت هم مبادرت به این کار نکرد. چرا؟؟

اگر وزارت اطلاعات این تذکر را به این آقایان داده است بگویند تا معلوم شود که چرا این آقایان تذکرات نهاد های امنیتی را به هیچ می‌گیرند.

از وزارت اطلاعات تا سازمان اتوبوسرانی همگی بارها و بارها با نمایندگان کارگران دیدار داشته‌اند و می‌دانند که این کارگران جز خواسته‌های قانونی خود چیز دیگری نمی‌خواهند. کارگران مستدل و قانونی صحبت کرده و هیچگاه رفتار خشونت آمیزی از آنان دیده نشده است. پولی برای ساخت

مسکن داده شده ولی این پروژه ها متوقف مانده اند و کسی جوابگوی این کارگران بی سر پناه مانده نیست. چه کسی مسوول است و باید رسیدگی کند؟؟

**وزارت اطلاعات، قالیباف، شورای شهر، سندجی شما بگویید به کجا باید رفت و این ظلم را گفت؟؟**

قالیباف از زمان شهردار شدنش تاکنون بارها طعم اتحاد کارگران شرکت واحد را چشیده است. از استادیوم تا به امروز. او نتوانست سندیکای کارگران شرکت واحد را با تمام اخراج ها، زندان افکندن ها، بازخرید کردن ها، از حرکت باز دارد. او مدتهاست در تیررس کارگران شرکت واحد قرار گرفته است. او با تبعیض روا داشتن در امور رفاهی ما بین کارگران شرکت واحد و زیر مجموعه شهرداری و همچنین یکسان نمودن حقوق کارکنان زیر مجموعه شهرداری با کارکنان اتوبوسرانی نه تنها به وظایفش در قبال کارگران شرکت واحد عمل ننموده است، بلکه به عنوان شهردار پایتخت نتوانسته بی لیاقتی هایش را در امر سامان دادن به معطلات شهر و ریخت و پاش ها در زیر مجموعه اش را کنترل کند.

**او نیزمی خواست که این تجمع به خشونت کشیده شود تا کمی دلش خنک شود.**

مافیای نشسته در شورای شهر که رسوایی اش در ماههای اخیر و فساد در آن برملا گشته، از اینکه عده ای کارگر به خود اجازه می دهند تا زیر سوال ببرندش، دلخور بود. به همین خاطر وظایفش را که رسیدگی به مشکلات مردم است را عمدن فراموش کرد و از پشت پنجره های شیشه ای نظاره گر کتک خوردن کارگران شد.

**تا به مردم بفهماند که، مافیا چنین برخوردهایی را می پسندد.**

هر چند بعد از کتک خوردن کارگران و رسانه ای شدن آن سرخو از سوی شورای شهر اعلام عذرخواهی کرده است.

ما می دانیم پشت این عذر خواهی چیست و چرا انجام شده و گرنه اگر سرخو در این عذر خواهی صادق بود نه بعد از چند روز، بلکه همان روز به دیدار کارگران می رفت و نمی گذاشت کار به خشونت کشیده شود. آری ما اینگونه کارهای تبلیغی را می شناسیم.

آنچه در این رفتار نهان است پیامی است برای جنبش کارگری ایران. پیامی که از زمان اعتصاب کارگران معدن چادرملو و بد عهدی وزیرکار به کارگران و سپس یورش به معدن و اخراج فعالین کارگری صورت گرفته است. پیامی که در بیانیه دادگستری خوزستان که به کارگران هشدار داد که هرگونه حق خواهی را بر نمی تابد و سر و کارشان با دادگستری است. پیامی که در شلاق خوردن کارگران معدن آق دره باز هم تکرار شد و این بار هم در این تجمع به کارگران داده شد که:

ما برده های آرامی می خواهیم که به هرگونه ظلمی گردن نهند. آرام باشند و دم بر نیاورند وگرنه با شلاق سر و کار دارند.

اما پیام جنبش کارگری به این مافیای لانه کرده در قدرت چنین است:

اگر رضاخان با شلاقش توانست پدران ما را آرام نگه دارد شما نیز خواهید توانست.

حال تصمیم با ماست که چه کنیم. یا از خواسته هایمان عقب بنشینیم و بی مسکن بمانیم و یا اینکه بر روی خواسته هایمان ایستادگی کنیم.

جنبش سندیکایی دو را پیش رو دارد، یا سر خم کند و ذلت را پذیرا باشد و زندگی حقیرانه را برای نسل بعد ارث بگذارد و یا اینکه از این برخوردها نهراسیده با تمام قوا با این بی قانونی ها مبارزه کنیم و زندگی انسانی را برای فرزندانمان به ارمغان بیاوریم.

**تحریریه نشریه پیام سندیکا**

## گزارش به اجلاس سندیکا‌های صنایع نفت و گاز فدراسیون جهانی اینداستریال



متن زیر گزارشی از شرایط کارگران شاغل در پروژه های نفت و گاز ایران است که به اجلاس سندیکا‌های کارگران صنایع نفت و گاز فدراسیون جهانی اینداستریال در استانبول در آذر ۱۳۹۵ فرستاده شد و مورد استقبال رهبری اینداستریال قرار گرفت.

درود به تمامی کارگران مبارز و پرجسارت جامعه انسانی

و درود بر اینداستریال بزرگ

خواهران و برادران گرامی، همانگونه که میدانید تسلط انسان بر منابع طبیعی امری غیرقابل انکار خواهد بوده و هست و این همه تکنولوژی و صنعت که به برکت منابع طبیعی به ما انسانها اعطا شده است فقط و فقط هدف از آنها، آسایش جامعه انسانی است؛ ولی سیستم نئولیبرالیسمی جهانی و سرمایه داری دلالی کشورما، هیچ ملاحظه و ارزشی برای نیروی انسانی قایل نیست و فقط به سود می اندیشد.

پروژه های شرکت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران که نفت خام و گاز را از دل زمین بیرون می آورند و اینهمه هزینه های استخراج را متحمل می شوند؛ متأسفانه نیروی انسانی را فقط به منزله کالا و ابزار می بینند. برای آنکه از



شرایط کار کارگران ایرانی ذهنیت بهتری داشته باشید به جنبه های مختلف کار در این پروژه ها اشاره می کنیم:

**شرایط رفاهی:** کارگران در کانکس هایی با کمترین امکانات زندگی می کنند و هر کانکس ۴۰ متری دارای ۱۲ کارگر و در بعضی از کمپ های دیگر هر ۶ کارگر در یک کانکس ۲۴ متری باید زندگی کنند.

غذاهای بدون استاندارد و بی کیفیت که منجر به مسمومیت مکرر کارگران می شود، رستوران ها شلوغ و در ساعت ناهاری از کارگران گرسنه لیریز است و در آن شلوغی شما باید طی نیم ساعت نظافت، غذا خوردن و استراحت داشته باشید که چنین چیزی امکان ندارد. محلی برای استراحت کارگران هم در نظر گرفته نشده است.

سرویس های حمل و نقل کارگران خارج از رده، کثیف و بدون امکانات است. از محل کار تا محل کمپ ۱۵ دقیقه راه است که جزو وقت کاری محاسبه نمی شود.

سرویسهای بهداشتی آلوده و بی در و پیکر، حمامهای غیر بهداشتی و دارای فشار آب کم و بدون آب گرم است که باعث سرماخوردگی های مکرر و بیماری های پوستی می گردد. نبود لباسشویی و مواد شوینده کافی و ضد عفونی کننده در سرویس های بهداشتی و حمام باعث گردیده که کارگران کمتر خود را شسته و لباس هایشان هم کثیف باشد.

عدم توجه کارشناسان نیروی انسانی شرکت و مسؤولین به مشکلات رفاهی و حقوقی، نبود امکانات آموزشی جهت ارتقا فنی کارگران، محل ورزشی، کتابخانه جهت مطالعه و آگاهی در جهت رشد ذهنی کارگران، کمپ ها و محل کار را بیشتر شبیه اردوگاههای کار اجباری کرده است.

نبود امکانات بهداشتی و پزشکی در محیط کارگاه، فرمایشی بودن کلاسهای ایمنی و بی توجه بودن به ارزشهای انسانی، نبود روان شناس در محیط کارگاه همگی باعث افسردگی کارگران و رفتن بسوی اعتیاد می شود. بی اغراق می

توان گفت که اعتیاد را کارفرمایان برای مهار اعتراضات رواج می دهند. بعد از کار ۹۰ درصد کمپ های از بوی مواد مخدر آکنده است.

ندادن لباس کار و استفاده از کفش ایمنی دست دوم در محیط کار از جانب پیمانکاران، استفاده از پتوهای دست دوم و مانده که بوی تعفن می دهد و بیشتر کارگران مجبورند خودشان پتو بخرند و این هزینه اضافی برای آنها با دستمزد های نازل از دیگر مشکلات کارگران است.

**قراردادکار:** در هر شرکتی این موضوع فرق می کند. در شرکت ستاره خلیج که در بندرعباس فعال است و یکی از شرکت های بزرگ در زمینه نفت و گاز است امسال در فروردین ماه قراردادهایی را به کارگران دادند که در آن قید شده بود که بعد از ششماه اولین پرداخت صورت خواهد گرفت به این شرط که از پیمانکار اصلی پولی گرفته شده باشد وگرنه کارگران همچنان باید صبر کنند و حق اعتراض هم ندارند.

شرکتهای پیمانکاری که در بوشهر فعال هستند، در هنگام استخدام هیچگونه قرارداد کاری با کارگر بسته نمی شود و میزان دستمزدها را مشخص نمی نمایند. به کارگران گفته می شود که بایستی یک ماه آزمایشی کار کنید و بعد از یک ماه کاری حقوق را مشخص می کنیم. بعد از یک ماه از جواب دادن طفره میروند و بدون اینکه جوابی بدهند و مستقیماً میزان حقوق را بازگو نمایند؛ کارگر را منتظر نگه می دارند و قول مساعد میدهند که حقوق خوبی برایتان در نظر گرفته خواهد شد. بعد از اینکه مدتی گذشت بدنبال نقاط ضعف کاری از کارگر هستند و با طعنه و سرزنش، کار او را بی ارزش جلوه میدهند و آنگاه که با تلقینات منفی، حس ناکارآمدی را به کارگر القا نمودند از در تندخویی و خشونت وارد می شوند و کمترین حقوق را به او تحمیل می نمایند و فشار بیشتری بر او وارد کرده و به او اجازه هیچگونه اعتراضی را نخواهند داد. و یا به دنبال بهانه ای برای اخراج کردن کارگران جسور و حق طلب سندیکایی هستند، تا با کارگران مطیع با حقوق ناچیز جایگزین بنمایند.

**ساعت کار:** ده ساعت کار طاقت فرسا بدون محاسبه اوقات ایاب و ذهاب، تخریب مرخصی قانونی و تبدیل محیط کار و کارگری به اردوگاه کار اجباری که آن را به بیگاری تمام عیار می توان تعبیر کرد.

**سختی کار شرایط کار:** زیانهای ناشی از آلودگی محیط کار که شامل بوی گاز ترش و مواد شیمیایی و گرد و خاک، گرما و شرجی، عرق سوز شدن کارگران در هوای گاه بالای ۶۰ درجه، مسمومیت مکرر از غذا و آب و... می باشند. تعمیر نکردن وسایل امکانات رفاهی که خراب شده اند، بی توجهی به ابزار محیط کار و صرفه جویی در تعویض ابزار خراب که گاه خطرات نگران کننده ای متوجه کارگران می نماید. ایجاد اختلاف بین کارگران و رواج فاشیسم نژادی و مذهبی، دیر رد کردن بیمه ها و بی ارزش شدن دفترچه های تأمین اجتماعی، سخت گرفتن و مردود اعلام کردن مستمری بیمه بیکاری از اداره کار که تا چهارماه و گاه تا یکسال طول میکشد و شاید هم به نتیجه نرسد، که باعث سیل درخواست متقاضیان کار که به ارزان شدن نیروی انسانی ماهر شده است.

**مرخصی ها:** تعطیل نشدن کارگاهها در روزهای تعطیل، اجبار کار در روزهای جمعه که روز استراحت برای همه کارگران است، یک امر عادی در پروژه های نفتی و گازی است.

میزان مرخصی ماهیانه کارگران پس از ۲۴ روز کار ده ساعته ۶ الی ۷ روز است و گاه برای اینکه پروژه به دلیل اعتصاب کارگران از برنامه عقب است لغو شده و گاه به ۳۵ روز می رسد. که اوقات رفت و برگشت هم در این چند روز خلاصه می شود. چون در طول این مدت ۲۴ روز که ده ساعت تمام بطور فشرده درگیر کار هستیم و شبها هم که به بطالت می گذرد. وقتی به خانه می رویم بعلت اینکه شرکتهای پیمانکاری فقط پول کرایه راه را به عنوان مساعده می دهند، با جیب های خالی به خانه می رویم و مرخصی برایمان چندان شادی آور نیست و مجبوریم فقط در خانه بمانیم و زیاد بیرون نرویم. در این ۶ روز که ۲ روزش به رفت و آمد خلاصه خواهد شد ۴ روز باقی مانده کارگر نمی تواند به خانواده اش رسیدگی بکند به اضافه اینکه خانواده با قرض

زندگی کرده و کارگر هم که بی پول به خانه می رود دعوای خانواده گی شکل می گیرد. بیشتر کارگران به همین دلیل افسرده می شوند و کانون خانوادگی کارگران متزلزل و بی روح می شود. فرزندان کارگران هم به دلیل نبود وضعیت ثابت پولی راهی همان جایی می شوند که پدر کار می کند. پروژه های نفتی.

**دستمزدها:** کارگران در این پروژه ها برای ۱۰ ساعت کار در شرایط سخت آب و هوایی برای ۲۴ روز کاری ۳۴۲ دلار تا ماهرترین و فنی ترین کارگران ۹۱۴ دلار می گیرند. توجه دوستان را به این موضوع جلب می کنیم که پرداخت دستمزدها هیچگاه از راههای مسالمت آمیز نیست. فقط بایستی با اعتصاب و نشستن در محیط کار و طلب حقوق بنماییم که این امر به خودی خود بار سنگینی از نظر فشار روانی بر روی کارگر می اندازد و در نهایت شرکتهای پیمانکاری با چهره ای طلبکارانه، کارگران جسور و حق طلب را تسویه و بلک لیست می نمایند و هیچ اداره یا امور قضایی دستگاه حکومتی در قید دادخواهی نبوده و نیست؛ بلکه با گذاشتن راههای پریپیچ و خم در جاده دادخواهی و حقوقی کارگران، آنها را به نوعی فراگیرتر از گرفتن حقوقشان باز می دارد و راه چپاولگری را برای این سیستم نابسامان اقتصادی هموارتر می نمایند.

**تشکل های کارگری:** در کشور ما سندیکاهای کارگری واقعی که با خواست کارگران بخواهد تشکیل بشود، از سوی وزارت کار اجازه داده نمی شود، هر چند که در قانون اساسی کشور ما این حق به رسمیت شناخته شده است. فعالین کارگری همیشه در معرض دستگیری هستند آنچنان که در می ۲۰۱۴ رفیق ما مازیار گیلانی نژاد به دلیل سازماندهی جشن روز کارگر مدت ۷ روز حبس شد و همچنین امسال هم از سوی نیروهای امنیتی احضار شد و به ایشان گفته شد که از هرگونه تجمعی باید خودداری شود.

در پروژه های نفتی و گازی محیط به شدت امنیتی است و هرگونه سازماندهی سندیکایی جز اخراج و بلک لیست شدن نیست. امسال همه اعضای اتحادیه

نیروی کار پروژه ای و دبیر آن رفیق مبارز ناصر آقاجری را از پارس جنوبی اخراج کرده و اینان حق آمدن به این پروژه ها را تا آخر عمر ندارند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در شرایط بسیار دشوار و مخفیانه دست به سازماندهی کارگران در این پروژه ها می زند که اخبار این فعالیت ها در سایت دو زبانه ما منعکس است.

**اعتصاب:** با آنکه حق اعتصاب در اصل ۲۷ قانون اساسی کشورمان گنجانده شده است، به هیچ وجه به رسمیت شناخته نشده و با کارگران برخورد می شود.

قابل توجه دوستان که در طی چهارسال اخیر دولت و دادگستری از کارفرما حمایت کرده و نه تنها برای اعتراض به حقوق عقب افتاده ما قایل به اعتصاب برای ما نیستند بلکه با هر اعتراضی پای نیروهای امنیتی به محل کار باز شده و کارگران را به جرم حق خواهی به زندان، شلاق، و اخراج محکوم می کنند. در پروژه های نفتی و گازی پس از اعتصاب همه اعتصابیون اخراج و فعالین کارگری به محاکم قضایی معرفی می شوند. متأسفانه در کشور ما مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ به هیچ عنوان رعایت نمی شود.

بی تردید آنچه ما را یاری خواهد کرد آموزش های اینداستریال و حمایت خواهران و برادرانمان در اینداستریال بزرگ خواهد بود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۲ آذر ۱۳۹۵



## حمایت فدراسیون جهانی اینداستریال از اعتصاب کارگران پتروشیمی بوشهر



**کارگران اعتصابی پتروشیمی موفق به دریافت دستمزد عقب‌افتاده خود شدند!**

هفته گذشته، کارگران پتروشیمی بوشهر پس از دست زدن به اعتصاب، موفق شدند دستمزد عقب‌افتاده خود را دریافت کنند.

کارگران پتروشیمی در اعتراض به آنکه دستمزدهای آنها از مرداد و شهریور پرداخت نشده بود، روز دوشنبه ۵ دسامبر (۱۵ آذر) دست به اعتصاب زدند. روز شنبه (۲۰ آذر) دستمزد عقب‌افتاده ماه‌های مرداد و شهریور به آنها پرداخت شد و آنها به کار بازگشتند. با وجود این، بحث و مناقشه هنوز ادامه دارد. کارمندان و کارکنان اداری که جزو اعتصاب اولیه نبودند، حقوق خود را دریافت کرده‌اند، و در نتیجه آنها نیز دست به اعتصاب زده‌اند.

مجتمع پتروشیمی بوشهر وابسته به شرکت ملی پتروشیمی است که متعلق به دولت است. این مجتمع در منطقه اقتصادی ویژه‌ای در حومه بندر عسلویه برای استخراج از میدان گازی پارس جنوبی ساخته شده است. این شرکت سندیکاهای

کارگری را به رسمیت نمی‌شناسد و کارگران خودشان دست به اعتصاب زدند. اما اعتصاب آنها مورد حمایت سندیکای کارگران فلزکار-مکانیک ایران بود که از اعضای پیوسته «اتحادیه جهانی اینداستریال» است.

کارگران این بخش توسط «مؤسسه‌های کاریابی» و بر اساس قراردادهایی به کار گمارده می‌شوند که در آنها صرفن حداقل حقوق کارگر در نظر گرفته و تضمین شده است. هیچ توافقی بر سر حقوق و مزایا نشده است، و به کارگران گفته می‌شود که پیش از آنکه دستمزد آنها معین و پرداخت شود، نخست باید یک دوره کار آزمایشی یک ماهه را بگذرانند. شرکت‌های نفتی پول دستمزدها را به مؤسسه کاریابی می‌پردازند. این مؤسسه‌ها اغلب ماه‌ها این پول را نگه می‌دارند و حقوق و دستمزدها را پرداخت نمی‌کنند. کارگران هم از ترس آنکه کارشان را از دست بدهند، اغلب زبان به شکایت نمی‌کشایند. شیفتهای کاری ده ساعت است، آنهم در شرایط دشوار کاری در هوای داغ. کارگران در خوابگاه‌های مشترک زندگی می‌کنند و اغلب ده نفر در یک واحد پیش‌ساخته ۲۴ مترمربعی ساکن‌اند.

وارتان خرم‌دین، خبرنگار سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران درباره اعتصاب کارگران گزارش داد: «پرسش کارگران در اینجاست که این همه پول منطقه پارس جنوبی عسلویه که از فروش نفت و گاز به دست می‌آید کجا می‌رود؟ چگونه است که چندرغاز آن هم به ما نمی‌رسد؟ مگر کارگزاران حکومتی ما نمی‌دانند چگونه در خدمت منافع عمومی سرزمین و مردمشان باشند؟... هدف ما کارگران رشد خود، خانواده، و جامعه است. ما نسبت به کسانی که بر سفره‌هایمان شبیخون می‌زنند روی خوش نشان نخواهیم داد»

شهر بندری عسلویه در استان بوشهر در جنوب ایران قرار دارد. در حومه این شهر یک منطقه تجاری ویژه برای شرکت ملی پتروشیمی ساخته شده است که سرمایه‌گذاری خارجی قابل‌توجهی را جذب کرده است. بخش نفت و گاز خاورمیانه و آفریقای شمالی اینداستریال که امروز در استانبول تشکیل جلسه داد، یک پیام همبستگی برای کارگران ایران فرستاد که در آن آمده است:

« ما در کنار کارگران بوشهر ایستاده‌ایم. صنعت نفت و گاز درآمد هنگفتی برای ایران دارد، و با وجود این، کارگران با شرایط کاری دهشتناکی روبرو هستند و دستمزدها پاداش پرداخت نمی‌شود. وجود سندیکاهای قوی به مردم ایران کمک خواهد کرد که از منابع طبیعی خود بهره ببرند.»

کمال اوزکان، معاون دبیرکل اینداستریال گفت: «این مناقشه نشان می‌دهد که چرا ایجاد جنبش سندیکایی مستقل و آزاد در ایران امری حیاتی است. پس از توافق هسته‌ای، کشور ایران میزان بی‌سابقه‌ای سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده است، که بدان معناست که شرکت‌های بزرگ جهان آماده‌اند که از استثمات کارگران ایران سود ببرند. ما از سازمان ایرانی وابسته به خود و از کارگران ایران در راه ایجاد سندیکاهای قوی به منظور دفاع و حمایت از حقوقشان حمایت می‌کنیم.»

والتر سانچز، دبیرکل اینداستریال نیز نامه‌ای به مازیار گیلانی‌نژاد، رئیس سندیکای کارگران فلزکار-مکانیک ایران فرستاد که در آن با مبارزه کارگران ایران ابراز همبستگی شده است.

سه‌شنبه ۲۳ آذر ۹۵





## رکود و تورم قدرت خرید جامعه و کارگران خلع سلاح شده ی ایران

بر گرفته شده از سایت کانون متحد کارگری

[Kmkoomk.wordpress.com](http://Kmkoomk.wordpress.com)

این مطلب بر اساس آمار منتشر شده ی بانک مرکزی ایران که هر از چند گاهی منتشر می شود تنظیم شده است که با واقعیت های بازار خرید نیاز مندی های روزمره مردم فاصله ای بعیدی دارد، یا به اصطلاح آماری است "مهندسی" شده. به طور نمونه فقط در یک سال، سال ۹۴ بهای نان سنگک از ۶۰۰ تومان به صورت آزاد به ۱۲۰۰ تومان رسید، صد در صد رشد در چند ماه، آن هم برای ماده غذایی که مردم تهیدست و زیر خط فقر، زندگی شان بدان وابسته است. این در حالی است که هر سال نرخ آب و برق و گاز از ۱۰ تا ۳۰ درصد رشد دارند که دولت خود بانی آن است. ولی همین دولت در آمار منشره اش نرخ تورم را یک رقمی اعلام می کند!!! آمارگران بانک مرکزی به این واقعیت ساده که برای یک روستایی بیسواد هم قابل درک است نرسیده اند که بالا رفتن نرخ آب و برق و گاز روی همه ی کالاهای دیگر بدون استثنا تاثیری ژرفی دارد و نرخ همه کالاها را گران تر می کند، حتی نه به همان نسبت، بلکه با درصد بیشتری. همه اقتصاد دانان کشور و همه دانش آموخته های این رشته با سکوت خود؛ این آمار غیرواقعی و این روند صعود نرخ تورم را تایید می کنند. آیا این آمار ریشه در واقعیت دارد؟! آری ریشه در واقعیت دارد ولی واقعیتی که سرشت و درون مایه آن از دید مردم پنهان شده است. شاید این در تعهد آنهایی باشد که در پشت این نامها (پلوتیک اکونومی) هتاکای شبانه روزی بر علیه دیگراندیشان چپ را "حلال" نموده اند. ولی به ناچار من با اندک دانش خود آموخته، بدان می پردازم.

مقاله ای در بی بی سی صفحه اول براساس آمار بانک مرکزی ایران در اواخر آذر ماه علت گران شدن ارز را این گونه تفسیر نموده بود.

" نکته کلیدی گران شدن ارز در بازار ایران، علت تورمی است، که از سال ۹۲ تا کنون نزدیک به ۷۰ درصد رسیده است. در سه سال گذشته اقتصاد ایران تورمی نزدیک به ۷۰ درصد داشته است. آمار رسمی نشان می دهد که تورم در ۳۹۲۱ بیشتر از ۳۴ درصد، در سال ۹۳ بیشتر از ۱۵ درصد و در سال ۹۴ نزدیک به ۱۲ درصد بوده است. تورم در ۹ ماه گذشته نیز حدود ۹ درصد بوده است. به زبان ساده قدرت خرید مردم نسبت به سال ۹۲ حدود ۷۰ درصد کاهش پیدا کرده است، یعنی برای کالایی که در سال ۹۲ هر مبلغی پرداخت می شد اکنون برای خرید همان کالا باید ۷۰ درصد بیشتر پرداخت کنند. این یعنی ارزش پول ملی ۷۰ درصد کمتر شده است."

در عمل می بینیم یک رقمی شدن نرخ تورم یک واقعیت است ولی آن واقعیت ویرانگری که دولت های پس از جنگ با ترفند های ماکیاولیستی آن را از دید مردم پنهان می کنند، کدام است؟ آمارگران دولت ها و نهاد های دولتی خدمت گذار بدون وقفه به سرمایه داری هار و وحشی وطنی و دلالهای بین المللی آن که جز غارت ارزش های تولید شده توسط کارگران و عدم پرداخت حقوق و مطالبات آنها معیار و ارزش دیگری را نمی شناسند، آمار را به صورتی کلی و بدون بررسی روند آن، مطرح می کنند. "در سال . . . نرخ تورم . . . می باشد". این اعلام یک واقعیت است که با اصول علمی اقتصاد خرد و کلان قابل انطباق است ولی همه ی واقعیت نیست، شیر بدون یال و دم و اشکمی است که واقعیت های دیگر را به گوشه های تاریک می راند، و بدین گونه به شعور اجتماعی مردم توهین می کند. مردم شاهد ساکت دولت "منتخب" خود هستند، که به گونه ی رسمی اعلام می نماید نرخ تورم یک رقمی شده است. ولی در بازار، نمودارها هم چنان روند صعود تورم را نشان می دهند. یک بار دیگر روند نرخ تورم را بدون مهندسی کردن آن، بررسی می کنیم و به سال ۹۲ برمی گردیم. آمار رسمی بیان گر رشد تورمی ۳۴ در صدی در سال ۹۲ بود (بر اساس اعلام نهاد های دولتی). در همین سال نمایندگان دولت و کارفرمایان در نشست سه جانبه ی که هر ساله با نمایندگان کارگران دولتی به نام شورا های اسلامی کار و کارگران محدودی که مشمول قانون کار سرو دم بریده فعلی می شوند، برگزار کردند نرخ رشد سالانه حداقل حقوق کارگران را ۲۵ درصد اعلام نمودند که این نرخ نسبت به نرخ تورم ( ۳۴ درصدی اعلام شده به وسیله بانک مرکزی) ۹ درصد پایین تر بوده که برخلاف قانون کار و اصول قانون

اساسی کشور است و کارگران هم به هر دلیل پای این سند را امضا نمودند. در این میان به وضعیت کارگران موقت که در مناطق آزاد تجاری - صنعتی از شمول قانون کار خارج شده اند هیچ توجهی نشد، زیرا از نظر این نهاد ها این گروه از کارگران که اکثریت را شامل می گردند، مشتی برده ی بدون حقوق قانونی هستند. در ضمن در این نرخ گذاری قدرت خرید کارگران نسبت به سال قبل به میزان ۹ درصد مجدداً سقوط کرد. یا در حقیقت باید گفت همان ریاضت اقتصادی که امروزه در کشورهایمانند اسپانیا و یونان و پرتغال و فرانسه اعمال می گردد به گونه ای دیگر در ایران کاربردی می شود. در حالی که آنها حتی درصدی از منابع ما را ندارند. سال ۹۲ را با نرخ ۳۴ درصد پشت سر گذاشتیم در حالی که این نرخ با همه مشکلاتش با ما به سال ۹۳ آمده بود و هم چنان بر زندگی کارگران چنگ می کشید. ولی تورم بدون آنکه دولت توانایی مهارش را داشته باشد به سیر صعودی خود ادامه داده و در این سال نرخ تورم ۱۵ درصد دیگر رشد یافت. که سر جمع نرخ تورم در سال ۹۳ می شد ۴۹ درصد ولی در این سال نمایندگان دولت و کارفرمایان این سرجمع را مطرح نمی کنند و نمایندگان کارگران هم که اقتصاد دان نیستند ( و برای حفظ اشتغال خود شهادت هم آهنگی با سندیکا های مستقل برای کشف این ترفند ها را هم ندارند) از این رو دولت و کارفرمایان نرخ تورم همان سال را یعنی ۱۵ درصد را معیار بررسی حداقل حقوق آن سال قرار می دهند و نمایندگان شوراهای اسلامی کار هم با نرخ ۱۲ درصدی حداقل حقوق موافقت می کنند با این دل گرمی که فاصله ی آن با نرخ تورم تنها ۳ درصد است. در حالی که این فاصله نسبت به واقعیت پنهان شده ی تورم ۴۹ درصدی ۳۷ درصد پایین تر محاسبه شده است. واقعیت دیگری که نمایندگان شوراهای اسلامی متوجه نشدند، سقوط ۳۷ درصدی قدرت خرید کارگران بود که به آن رای داده بودند. تورم در حال صعود بود و حقوق کارگران در حال نزول. با این شرایطی که هر سال بیشتر وضع کارگران بحرانی تر می شد وارد سال ۹۴ شدیم. باز هم دولت و کارفرمایان بر اساس معیار های نولیبرالی هر ساله، آمار نرخ تورم سال ۹۴ را ۱۲ درصد اعلام نمودند. آری در سال ۹۴ هم بدون توانایی دولت در مهار تورم نرخ آن ۱۲ درصد دیگر رشد کرد و نرخ تورم واقعی که نمایندگان دولت و کارفرمایان از آن چیزی نمی گفتند به رقم ۶۱ درصد رسید. در جلسه سه جانبه نرخ حداقل حقوق کارگران ۱۷ درصد پذیرفته شد. شاید برخی نمایندگان

کارگران با شادی تصور می کردند نسبت به نرخ تورم آن سال ۵ درصد توانسته اند بیشتر به دست بیاورند ولی واقعیت این بود که نسبت به نرخ واقعی ۶۱ درصد معادل ۴۴ درصد پایین تر از نرخ تورم حداقل حقوق را محاسبه کرده اند. در واقع ندانسته پذیرفتند، نزول هرساله قدرت خرید کارگران و صعود نرخ تورم را. امسال طی گذر ۹ ماه نرخ تورم بزعم دولتیان تک رقمی شد ولی این تک رقمی نه به معنای مهار تورم است بلکه تورم باز هم نسبت به سال پیش ۹ درصد تا پایان آبان ماه رشد داشته و در سرجمع ساده ی آن، که یک بچه دبستانی هم می تواند آن را جمع کند به رقم ۷۰ درصد رسیده است. آری یک رقمی شدن نرخ تورم یک واقعیت است و واقعیتهایی که جزیی از واقعیت عمده و بزرگتر است و آن این است که تورم در عجز و ناتوانی نهادهای دولتی و اقتصاد دانان نولیبرالیش هم چنان روندی صعودی را می پیماید و از سوی دیگر هرساله کارگران فقیرتر می شوند. یا به زبان ساده قدرت خرید جامعه با همین آمارهای مهندسی شده ی دولتی هر ساله روندی نزولی دارد و کشور را به سوی پرتگاه سقوط می کشاند. آیا این پروسه برای جامعه یک فاجعه اقتصادی نیست؟! علاوه بر این روندهای ویران گری که فرایند مناسبات اقتصادی پس از جنگ است (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) دولت برای زدن تیر خلاص به قانون اساسی و قانون کار لایحه اصلاح قانون کار را هم در دستور کار مجلس قرار داده تا کشور را به یک نظام برده داری تبدیل نماید، آن هم در شرایطی که شاهد تحولات منفی جهانی هستیم، مانند انتخاب ترامپ، که برآیندی است در جهت خلاف برخی از اصول اقتصادی مناسبات نولیبرالی و جدا شدن انگلیس از اروپا و تداوم رکود و تورم در جهان و گسترش جنگ های منطقه ای که در مجموع عدم کار آمدی این مناسبات اقتصادی را برملا کرده است. ولی دولت و مشاورین اقتصادی ش با پیگیری این راه رشد و رونق و ورشکسته را سرمشق خود قرار داده اند و با بردن لایحه اصلاح قانون کار به مجلس بی خبری خود را از واقعیت های داخلی و خارجی ایران به نمایش گذاشته اند.

## اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخنگو ناصر آقاجری ۲۳ آذر ماه ۹۵

## اعتراضات رانندگان و کارگران شرکت واحد در ۱۴ آذر مقابل شهرداری توسط نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد.



امروز ۱۴ آذر حضور چشمگیر رانندگان شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه بابت عدم پرداخت تسهیلات مسکن بر اساس مصوبه شورای مسکن شهرداری اعم از مسکن نگرفته ها و پروژه های نیمه کاره تعاونی مسکن در ساعت ۱۰ صبح برای پیگیری مقابل شهرداری تهران را شاهد بودیم ولی ظاهراً شهرداری تهران از قبل استراتژی گاز انبری معروف خود را به واسطه دست نشانده های نیروی انتظامی در سرتاسر خیابان بهشت و پارک شهر پیاده کرده بود. شهرداری که متهم اصلی املاک نجومی ایست بقدری از حرکت رانندگان وحشت کرده بود که از ساعت ها قبل با ارتباط خاص با نیروی انتظامی مقابل شهرداری خیابان بهشت و پارک شهر را به پادگان نیروی انتظامی تبدیل کرده بود و هنگامی که رانندگان قصد خارج شدن از درب جنوبی پارک شهر را داشتند پلیس به سمت کارگران و رانندگان حمله کرده و با باتوم و مشت و لگد اقدام به پراکنده کردن کارگران شرکت واحد را داشتند و ایشان را تا درب شمالی پارک شهر عقب راندن که در این هنگام با اقدام هوشمندانه رانندگان در خیابان فیاض بخش ضلع شمالی پارک شهر به راهپیمایی به سمت شرق تقاطع خیابان خیام - فیاض بخش کردند سپس از خیابان خیام به سمت خیابان بهشت در حال حرکت بودند که پلیس با دستور سرهنگ دوم عبدالرضا جعفری حمله وحشیانه ای دیگر به کارگران راتدارک دیدند که بر اثر هجوم ناجوانمردانه سه

تن از رانندگان به نام های ناصر محرم زاده، حسن سعیدی و ایرج فدایی توسط سرهنگ جعفری با باتوم از ناحیه سر و گردن مصدوم شدند همچنین بینی دوتن از ایشان آسیب جدی دید لذا باهوشیاری رانندگان با تغییر راه راهپیمایی خود به سمت خیابان سپه و از آنجا به پارک سوار فیاض بخش عزیمت نمودند لذا برای بار سوم پلیس حمله ای دیگری را تدارک دید و با جمع آوری بنر سندیکا با متن خواسته مسکن و دستگیری ۱۶ تن از اعضا اقدام کردند که دستگیرشدگان را به پلیس امنیت ارگ انتقال داده ولی در آنجا از پذیرش مصدومین خوداری کردند لذا مصدومین با اورژانس به بیمارستان سینا منتقل شدند که پس از مداوا آزاد می شوند و الباقی دستگیرشدگان نیز پس از چند ساعت در مقر پایگاه هفتم پلیس امنیت در ارگ آزاد شدند لازم به ذکر است که دیگر رانندگان محل را ترک نکرده و با فشار به پلیس خواستار آزادی دوستان خود بودند که پلیس مجبور به خواسته ایشان گردید.

سندیکای اتوبوسرانی به سرهنگ گزانبیری هشدار می دهد تمام مسولیت و عواقب ناشی از عدم تسهیلات مسکن با شهرداری و مدیریت شرکت واحد می باشد. رانندگان و کارگران شرکت همه حقوق اعتراضی و قانونی را برای خود محفوظ می داند که در وقت مقتضی اقدام خواهد کرد.

## سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۵ آذر ۱۳۹۵



## تعدادی از رانندگان شرکت واحد در اعتراض به ضرب و شتم همکارانشان توسط پلیس چراغ های اتوبوس خود را ۱۵ آذر روشن کردند!



در اعتراض به برخورد خشن پلیس با رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که برای احقاق حقوق حقه مسکن قصد برپایی تجمع اعتراضی در مقابل شهرداری را داشتند؛ رانندگان حاضر تجمع اعتراضی روز یکشنبه چهاردهم آذر تصمیم گرفتند که روز دوشنبه پانزدهم آذر در اقدامی اعتراضی با سرعت مطمئنه حداکثر ۳۰ کیلومتر حرکت کنند. همچنین چراغ های اتوبوس را در همین روز روشن نمایند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از همه رانندگان درخواست دارد برای تحقق خواست حقه عمومی مسکن همچنین اعتراض به برخورد خشن پلیس با همکاران در تجمع اعتراضی مسکن، روز دوشنبه پانزدهم آذر با سرعت مطمئنه حداکثر ۳۰ کیلومتر حرکت و چراغ های اتوبوس را نیز یک روز کامل روشن نمایند.

**سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**

۱۵ آذر ۱۳۹۵

## بیانیه ی سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه درباره تجمع کارگران شرکت واحد

امروز ۱۴ آذر کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تجمعی مسالمت آمیز با خواست مشخص شدن وضعیت مسکن خود در جلوی شهرداری تهران داشتند که با یورش ماموران سرکوب گر و حافظان سرمایه رو برو شدند و با خبر شدیم که تعدادی از این کارگران توسط ماموران مورد ضرب و شتم قرار گرفته عده ای از آنان دستگیر و به بازداشتگاه های مختلفی منتقل شدند، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواسته های بحق هم طبقه ای های خود هرگونه تعرض را به حقوق کارگران محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط کارگران بازداشتی هستیم.

## سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ۱۴ اذر





## اطلاعیه و تکذیب

اطلاعیه ای معجول به تاریخ ۱۴ آذر از قول خبرگر و با تیتر « هشدار به کارگران ایران، هنوز تغییر ضد کارگری قانون کار را از دستور مجلس خارج نکرده اند».

به گزارش عیاران معیشت از قول منابع داخلی از جمله جوانمیر مرادی و همفکری نهادهای کارگری مستقل به نظر می رسد...» منتشر شده و امضای جمعی از تشکل های کارگری را نیز در زیر دارد.

ما ضمن تکذیب این اطلاعیه اعلام می کنیم تمامی اطلاعیه ها و اخبار ما فقط در صورت منتشر شدن در سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و فیسبوک سندیکا معتبر می باشد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هیچگونه ارتباطی با « خبرگر » و گروه ناشناس عیاران معیشت ندارد.

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۵ آذر ۱۳۹۵



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک  
تاسیس ۱۳۳۹  
ثبت وزارت کار ۳۴  
بازگشایی ۱۳۸۴

## سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از اعتصاب عمومی کارگران کره جنوبی حمایت می کند!

سندیکاهای کارگری کره جنوبی امروز، ۳۰ نوامبر (۱۰ آذر ماه) در اعتراض به سیاست های ضدکارگری دولت خانم "پارگ گونن های" یک اعتصاب عمومی سازمان داده اند که مورد حمایت فدراسیون های سندیکایی جهان و از جمله اینداستریال قرار گرفته است.

برادران کارگر ما در کره جنوبی متفق القول هستند که مبارزه خود بر علیه دولت سرکوبگر و ضد کارگری خانم "پارگ گونن های" که در هماهنگی با کارفرمایان و انحصار های بین المللی عمل می کند، تا برکناری این دولت ادامه خواهند داد. کنفدراسیون سندیکایی اینداستریال اخیراً فاش کرده است که شرکت های انحصاری در ازای حمایت دولت از سیاستهای ضد کارگری و دیگر اقدام های مورد نظر کارفرمایان رشوه های کلان به یک متحد و دوست نزدیک خانم رئیس جمهور پرداخت کرده اند.

دولت کره جنوبی برای مدت های طولانی سعی کرده است که با حمله و تغییر مفاد حمایتی قانون کار برای کارگران و سندیکا های کارگری، مبارزه کارگران این کشور بر ضد سیاست های نولیبرالیستی حاکم در صنایع و اقتصاد این کشور را تضعیف کند. سیاست های دولت در سال های اخیر شامل حمله پلیس به تجمع های قانونی کارگران، حمایت از اقدام کارفرمایان به کاهش دستمزد های کارگران، یورش به دفاتر سندیکاهای کارگری، و دستگیری صدها نفر از اعضای اتحادیه های کارگری به جرم انجام فعالیت های مسالمت آمیز و از جمله دستگیری و صدور حکم پنج سال زندان برای آقای «هان سنگ گیون»، رهبر «کنفدراسیون سندیکاهای کارگری کره» می باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک امروز نامه اعتراضی ای را در حمایت از اعتصاب عمومی کارگران کره جنوبی به خانم "پارگ گونن های" ارسال داشت و کپی این نامه را در اختیار سازمان های کارگری کره جنوبی گذاشت. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در این نامه از حق تجمع و تشکل صنفی و سندیکایی کارگران که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه های بین المللی حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته است، پشتیبانی کرده و دولت کره جنوبی را به اجرای دقیق مقابله نامه های سازمان جهانی کار فراخوانده است. متن انگلیسی این نامه در صفحه انگلیسی سایت منتشر شده است.

## صدای خواهران و برادران و فرزندان مان باشیم!

مدتهاست که مدیران جامعه به مشکلات زحمتکشان اعتنایی نکرده و آنان را وادار به اعتراض کرده اند. پس از اعتراض هماهنگ سندیکاهای کارگری و برخی از تشکل های کارگری به لایحه نابودی قانون کار که در مقابل مجلس صورت گرفت و دیروز هم کانون نویسندگان ایران برای گرامیداشت روز مبارزه با سانسور گردهمایی را اعلام کرده بودند که با ممانعت و برخورد خشن پلیس مواجه شد فردا هم اعتراض کارگران شرکت واحد به عدم دریافت مسکن و همچنین آموزگاران بازنشسته نیز اعتراضی را بر پا خواهند کرد. در همین روند فرزندان دانشجوی ما هم در اعتراض به مشکلات صنفی خود، روز ۱۶ آذر که روز دانشجویست را برای اعتراض انتخاب کرده اند.

بر طبق قانون اساسی و نص صریح اصل ۲۷ قانون اساسی، اعتراض حق هر شهروند ایرانی است. این اعتراضات نه تنها مخل به مبانی اسلام نیست بلکه یکی از اصول آن را که عدل است خواهان است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت از خواسته های رانندگان شرکت واحد در برخورداری از یک مسکن مناسب و همچنین آموزگاران بازنشسته برای برقراری همترازی حقوق و مزایا با کل شاغلین و بازنشستگان همه ی ارگان های کشور، از انتظار به حق فرزندانمان که خواهان برگزاری روز دانشجو که روز اعتراض به ستم و دیکتاتوری و فریاد آزادیخواهی است حمایت می کند.

زنده باد اتحاد سندیکاهای کارگری، همبسته تر باد جنبش های اجتماعی ایران

جنبش کارگری متحد جنبش دانشجویی      اتحاد، مبارزه، پیروزی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۳ آذر ۱۳۹۵

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه



امروز ۸ آذر سال ۹۵ کارگران بازنشسته شده در سال اسفند ۹۴، و بازنشستگان امسال نیشکر هفت تپه بدلیل پرداخت نشدن سنوات خدمت به همراه خانواده های خود مانع ورود ماشینهای حمل نیشکر به کارخانه از ساعت ۸ الی ۱۱ بمدت سه ساعت شدند. متاسفانه کارفرما با سرداندن کارگران ظلم دیگری را به این خانواده ها تحمیل می کند.

**گزارش خبرنگار پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه:**

## **چرا نی بران هفت تپه تجمع می کنند؟**

شرکت از ابتدای بهره برداری به بیش از ۳۹۰ نفر از نی بران قدیمی و فصلی اعلام کرد که در خانه بمانند و حقوق دریافت کنند. دلیل آن ترس از اعتراض آنها نسبت به معوق شدن حقوق و مزایای شان توسط کارفرما بود و در حال حاضر نیز سرکار امسال حاضر نشده اند و در چند روز گذشته حدود ۹۰ نفر آنها بازنشسته شده اند که باید ترک کار آنها در صورت پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما توسط تامین اجتماعی صادر شود. امسال بدلیل کمبود نی بر شرکت افرادی را برای نی بای استخدام کرد.

قرار داد آنها بدین صورت بود که روزانه باید هر فرد دو و نیم تن نی ببرند تا حقوق کامل آن روز را دریافت کنند. بادریافت حقوق، آنها مشاهده کردند که هرنفر بعضا نصف حقوق دریافت کرده و شروع به اعتراض کردند کارفرما در جواب اعلام کرد که حد نصاب لازم نی درو نکردند که این مصداق بهره کشی و برده برای است و خلاف قانون.

به همین خاطر در روزهای شنبه و یکشنبه ۴ و ۵ دیماه هم اقدام به اعتصاب کردند ابتدا درب ورود نیشکر را بستند و سپس جلوی مدیریت شرکت تحصن کردند.

**گزارش تکمیلی خبرنگار پیام سندیکا از مصایب کارگران هفت تپه:**

کارگران هفت تپه مدتهاست که در مراجعه به سازمان تأمین اجتماعی شوش و طرح درخواست تمدید و یا تعویض دفترچه بیمه هایشان با مشکل روبرو گردیده اند.

مسئولان تامین اجتماعی عملی شدن این امر را منوط به پرداخت مطالبات معوقه کارفرمای هفت تپه کردند اما ظاهراً کارفرمای بخش خصوصی مجتمع نیشکر هفت تپه توانایی پرداخت یکجای مطالبات تامین اجتماعی را ندارد. شرکت طبق مناقصه با تمام بدهی بیش از ۵۰۰ میلیارد تومانی که حدود ۱۸۰ میلیارد آن به تامین اجتماعی است به خریداران واگذار شد. پس از واگذاری متأسفانه روزه روز بر مشکلات پرسنل اضافه شده و هر روز یک گروه دست به اعتراض میزنند (بیمانکاران طلب کار، کارگران نی، روزمزدها، بازنشستگان برای سنوات یا ۴ درصد بیمه، کارگران دایم و غیره)

طبق مناقصه اگر خریداران نتوانند شرکت را اداره کنند باید واگذاری لغو شود که کارگران خواهان این موضوع هستند.

### گزارش های خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی

۱- روزهای جسارت که بر تیره روزی مردمان جوانه های امید می کارد...



در روز ۱۳۹۵/۹/۱۵ کارکنان شرکت پتروشیمی بوشهر در اعتراض به پرداخت نکردن دستمزد ماههای ۵، ۶، ۷، ۸، اعتصاب خود را برای اولین روز شروع کردند و خواستهای خود مبنی بر اینکه حقوقهایمان تا برج ۷ بایستی پرداخت شوند و پس از آن وقفه ای در پرداختها ایجاد نشود را ارایه

دادند. متعاقب این تهدید ژنراتورهای برق را خاموش کردند و در محیط کار بدون ایجاد بی نظمی، در يك جا نشستند و کار دیگری انجام ندادند.

رییس کارگاه به میان کارگران آمد و به آنها وعده داد که تا برج ۶ به حساب خواهند ریخت و از کارگران خواست که به سرکار بروند؛ ولی آنها درخواست رییس کارگاه را رد کردند.

لازم به ذکر است که این شرکت هنوز بیمه برج ۵ کارگران را واریز نکرده است. در ضمن این شرکت در هنگام تابستان و شرجی، مبلغی را که به عنوان دستمزد به کارگر گفته بودند در اول برج ۷ به مقدار ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان پایین تر محاسبه کرده اند. دیگر اینکه کارگرانی که به دلایلی از این شرکت تسویه نموده اند تاکنون پولشان پرداخت نشده است و اگر اصرار به دریافت دستمزد نمایند به آنان گفته می شود که با شما روزمزد محاسبه می کنیم و از عیدی، سنوات، مزایای کارگری و بیمه خبری نیست.

ما کوشندگان سندیکای کارگری فلزکارمکانیک که صدای رسای کارگران پروژه های صنعتی هستیم، تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا ندای حق طلبیمان به گوش جهانیان و مردم ایران برسد، تا شاید بتوانیم با تلاش پیگیر خود مافیای نفتی را وادار نماییم تا قوانین حقوقی کار و کارگر را به رسمیت بشناسند و نگذارند سودجویان سیستم دلالی کار، بر سفره های زحمتکشان هجوم ببرند و جامعه انسانی و حقوق آنان را، ناچیز و کم ارزش جلوه بدهند.

(وارتان خرمدين کارگر پارس جنوبي عسلويه) ۱۳۹۵/۹/۱۵

## ۲- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه

دروود بر تمام کارگران ایران زمین که در راه آرمانهای حقیقی خود، همچنان صبورانه به پیش می روند.

در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۵ کارکنان پتروشیمی بوشهر منطقه پارس جنوبی عسلویه برای سومین روز متوالی برای مطالبه دستمزد کارگريشان، در اولین

پگاه روز به اعتصاب گسترده خود ادامه دادند و تجمع اعتراضی خود را آغاز نمودند. معاون کارگاه و سرپرست اجرا به میان کارگران خشمگین آمدند و با زبان قلدری گفتند که بروید تسویه کنید و سریع پولتان را میدهیم.

جمعیت کارگران که در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند با خشم و ناراحتی به جلوی دفاتر رفتند و گفتند که اول تمام پولمان را به حساب بریزید بعد تسویه نمایید و هیچکدام از کارگران برگه تسویه نگرفتند و هنگامی که معاون کارگاه برای دومین بار خواسته خود را مطرح کرد در برابر منطق کارگران با خشم میدان را خالی کرد و کارگران هم بر سر اعتصاب خود پافشاری نمودند.

شرکتهای پیمانکاری حق خود میدانند که هرگونه میخوانند با نیروها برخورد نمایند؛ قابل توجه است که وقتی کارفرما از همین معاون کارگاه پرسید برای چه پول کارگران را نمی دهید؟! او در پاسخ گفت که کارگران نیازی به پول ندارند

این سخن شرم آور به هیچ کس مجال قضاوت نمی دهد و به بی شرمی این فرد پی می بریم. حال بهتر است پی ببریم که سیستم دلالی کار به هیچوجه اعتنایی به نیازها و مشکلات کارگران ندارد و از آزار دادن زیردستان لذت می برد و این به نوعی بیماری سادیسم می ماند که رحم و عاطفه را خط زده اند و عطش پول بیشتر، جلوی چشمان آنان را گرفته است و واقعیات جامعه را که فلاکت و فقر و نداری بر آن حکمفرمایی می نماید را نادیده می گیرند

این واقعیت ها را ما هیچگاه فراموش نخواهیم کرد و در برابر ستمگریها، روی خوش نشان نخواهیم داد.

با سپاس (وارتان خرم‌دین، کارگر پارس جنوبی عسلویه)

### ۳- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی

درود به کارگران مرز و بوم ایران زمین  
کارگران ایران زمین از سیستم پیمانکاری و منپاوری خشمگین هستند و دامنه اعتصابات را گسترش می دهند و خواهان گرفتن حقوق قانونی خود هستند.  
از حدود دقیقین سه هفته پیش، اعتصاب کارکنان و پیمانکاران شرکت رژین صنعت فاز ۱۷ و ۱۸ منطقه پارس جنوبی عسلویه شروع شده است که از دست



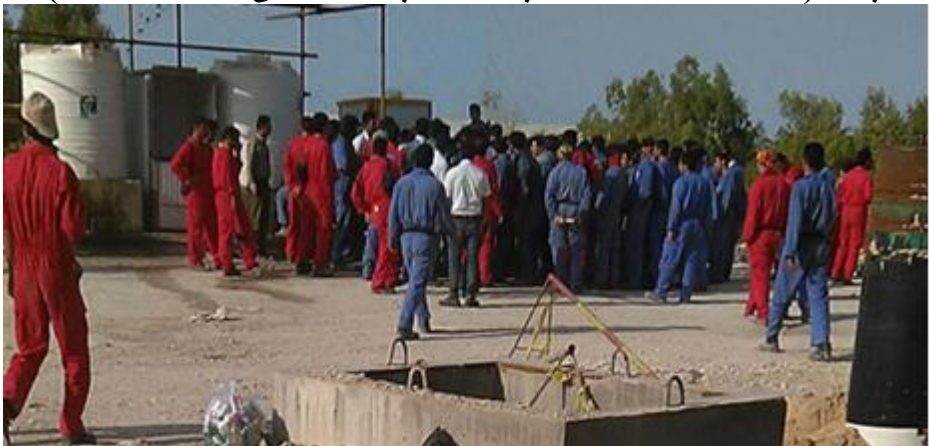
کارفرما (آی.پی.ام.آی) به دلیل پرداخت نکردن معوقات مزدی خود که از سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و سال جاری را پرداخت ننموده است؛ بسیار خشمگین هستند و دست به اعتصاب گسترده زدند.

این کارفرمای پالایشگاهی که در ۲۲ بهمن پارسال پروژه را تحویل شرکت نفت داده است و پولش را گرفته، متأسفانه هنوز پول شرکت و پیمانکاران را پرداخت نکرده است و برای خودش حساب و کتاب میسازد که شرکت بدهکار است و نمره منفی دارد. شرکت رژین صنعت می گوید که ۳۰ میلیارد طلب دارد؛ ولی کارفرما میگوید که شرکت رژین صنعت ۸ میلیارد بدهکار است. کارگران اعتصاب کننده دیروز به دنبال مدیر عامل (آی.پی.ام.آی؛ یا مدیریت طرحهای صنعتی ایران) آقای سید مرتضی امامی به کمپ یک کارمندی واقع در بیدخون یورش بردند و خواهان دیدار او شدند تا در مورد مطالباتشان گفتگو نمایند؛ اما ایشان با هماهنگی حراست منطقه ویژه پارس جنوبی و حراست آی.پی.ام.آی از دست طلبکاران بطور پنهانی از درب ایرو به داخل سایت رفته و از درب شرکت O یک گریخت و فرار کرد.

هم اکنون کارگران در مانده و سرگردان به دنبال سرنخ از مدیر عامل هستند تا شاید با صرف هزینه های گزاف بتوانند او را پیدا نمایند و دستمزد کارگری خویش را دریافت بنمایند.

به امید رهایی از سیستم نابسامان دلالی کار و خصوصی سازی که همچنان به ویرانگری خویش ادامه می دهد.

**با سپاس (وارتان خرمدين، کارگر پروژه ای پارس جنوبی عسلویه، ۱۷ آذر)**



#### ۴- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پتروشیمی بوشهر

در روز ۱۹ آذر کارگران پتروشیمی بوشهر پارس جنوبی عسلویه پنجمین روز اعتصاب خود را در اولین پگاه روز جمعه شروع کردند و با خشم گسترده خویش خواستار تعیین وضعیت حقوقی خود شدند. دیروز معاون کارگاه و سرپرست اجرایی کارگران را تهدید به تسویه و بلک لیست کردند و کارگران همه برگه تسویه حساب گرفتند و گفتند: پس اول پول و مزایای کارگرمایان را بدهید، بعد تسویه حساب را امضا می‌کنیم.

اما امروز به آنان گفتند که به سر کار بروید و معلوم نیست چه تاریخی پول به حسابتون بریزیم... کارگران برگه‌های تسویه را تحویل ندادند و گفتند که ما فقط پول می‌خواهیم و تسویه حساب نمی‌کنیم و اعتصاب را ادامه می‌دهیم؛ البته لازم به ذکر است که آنان به گونه‌ای سعی در اختلاف انداختن بین کارگران داشتند و تا حدودی هم موفق شدند؛ ولی با وساطت کارگران آگاه، این نگرانیها برطرف شد و همه کارگران بار دیگر برای گرفتن حقوقشان با همدیگر انسجام دوباره پیدا کردند.

پرسش کارگران در اینجاست که اینهمه پول منطقه پارس جنوبی عسلویه که از فروش نفت، گاز و فراورده‌های نفتی بدست می‌آید کجا میرود و چگونه شده است که چندرغاز آن هم به ما نمیرسد؟! واقعن جای تعجب است که مگر کارگزاران حکومتی ما بدنبال چه هستند و مگر درس اقتصاد نخوانده اند تا در خدمت منافع عمومی سرزمین و مردمانشان باشند؟! هدف آنها چیست و چه می‌خواهند؟ هدفی که نتیجه آن به فقر، بدبختی و سرگردانی مردم بیانجامد هدف نیست

هدف ما کارگران رشد خود، خانواده و جامعه می‌باشد و نسبت به کسانی که بر سفره هایمان شبیخون می‌زنند روی خوش نشان نخواهیم داد و بر آنها خشم می‌گیریم و طلب حقوق می‌نماییم. امیدوارم کارگران ایران زمین جسارت و آگاهیهای لازم را در راه طلب حقوق خودشان با توسل به قوانین حقوقی و گفتگوی مسالمت آمیز را فرا گیرند و با کلام نیکوی خودشان، عصای معجزه

گر بیافرینند و در جهت کاشتن لبخند در وجود مردمان و خانواده همام تلاش پیگیر داشته باشیم

### خبر تکمیلی :

با قول شرکت مبنی بر پرداخت پول ، امروز شنبه ۲۰ آذر دستمزد ماههای مرداد و شهریور پرداخت شد و کارگران به سرکار آمدند. ولی مثل اینکه حقوق کارمندان و نفقات دفتر فنی و اداری را برای شهریور پرداخت نکرده اند.

وارتان خرمیدین عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

### ۵- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پتروشیمی بوشهر

درود به کارگران مبارز ایران زمین. در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۵ کارکنان امور اداری و فنی شرکت ای سی سی پتروشیمی بوشهر سایت ۳ که با کارگران در اعتصاب برای مطالبه حقوقشان همکاری نکرده بودند حقوق شهریور ماه شان واریز نشد. آنان در اعتراض به این موضوع به مدت یک ساعت در روز ۲۱ آذر اعتصاب کردند. این درحالی است که کارگران دستمزدهای عقب افتاده شهریورماه خود را دریافت کردند.

## ۱- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بازداشت اعضای تعاونی مسکن کارگران کارخانه پارس خودرو:



امروز صبح ۹ آذر جمعی از اعضای تعاونی مسکن کارخانه پارس خودرو که در اعتراض به تصرف غیر قانونی زمین های ایت تعاونی کارگری در شهرستان آبیگ به دادگاه مراجعه کرده بودند، ۱۷ نفر بازداشت شدند، که از این کارگران تعداد ۱۵ نفر هم اکنون با سپردن تعهد آزاد شده‌اند و ۲ نفر باقیمانده هنوز در بازداشت هستند.

اعضای این تعاونی کارگری اواخر آبان ماه امسال از مسئولان قضایی کشور خواسته بودند برای رفع تصرف غیر قانونی حدود ۵ هکتار از زمین های این تعاونی واقع در کیان مهر کرج اقدام کنند.

## ۲- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پارس خودرو:

در حالی که اعتراض نمایندگان تعاونی مسکن پارس خودرو به غصب زمین هایشان منجر به دستگیری ۱۷ نفر و آزادی ۱۵ نفر در همان روز با دادن تعهد در خبر قبلی بود، امروز ۱۲ آذر با خبر شدیم که دوفنر از نمایندگان بازداشتی دیگر نیز امروز به قید وثیقه آزاد شدند. اما متأسفانه هنوز داوود رفیعی کارگر بازنشسته که به همراه سه کارگر دیگر بازداشت شده بود به دلیل عدم توانایی در تهیه وثیقه همچنان در زندان به سر می برد. این کارگران که برای احقاق حق خود اعتراضی مسالمت آمیز داشته با برخورد خشن ضابطین قضایی روبرو

شده اند. آیا برخورد با کارگرانی که جز دهانی برای فریاد، هیچ رسانه ای در اختیار ندارند می تواند پایه ای شود برای برخورد با دهان هایی که میلیاردی ثروت کشور را به یغما می برند؟

« سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برای حمایت از این کارگران اعلام آمادگی می کند.»

### ۱- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:



ایران خودرو

باز هم مدیریت زیر قول خود زده است و یک ماه است که جمعه ها را روزکار اعلام می کند. استدلال شان هم این است که چون تعطیلی در وسط هفته هست و برای اینکه تولید به حد نصاب برسد باید کارگران روز جمعه ها را به سر کار بیایند. این باعث شده که کارگران با بی میلی به سرکار آمده و تولید و کیفیت کاهش پیدا کند.

### ۲- گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:

در حالی که مدتهاست تولید ایران خودرو دو برابر شده است و تنوع تولید خودرو بیشتر گشته است از جمله تولید سواری دان فنگ چینی و به جای آن کمتر شدن تولید پژو ۴۰۵ و با اینکه سود ایران خودرو بیش از دو برابر شده

است چرا که خطوط تولید با سرعت بیشتری کار می کنند اما تفاوتی در دستمزد ها و مزایای کارگران ایران خودرو نیفتاده است. تنها از خردادماه به این سوی آکورد ۲۰ درصد افزایش یافته که مبلغ ناچیزی است.

کارگران اکثر سالن های تولیدی ایران خودرو اعتراضات پراکنده ای را صورت داده اند و خواستار بیشتر شدن دستمزدها در مقابل شدت کار و ۲ برابر شدن تولید شده اند.

متأسفانه پاسخ مدیریت میانی که از مدیرعامل خط می گیرند این است که شما از کارگران سایپا و دیگر کارخانه های تولیدی خودرو بیشتر می گیرید، پس حرفی نزنید.

بی تردید ایران خودرو آبستن اعتراضات کارگری است، مگر اینکه مدیریت به خود بیاید. ۵ دیماه ۱۳۹۵

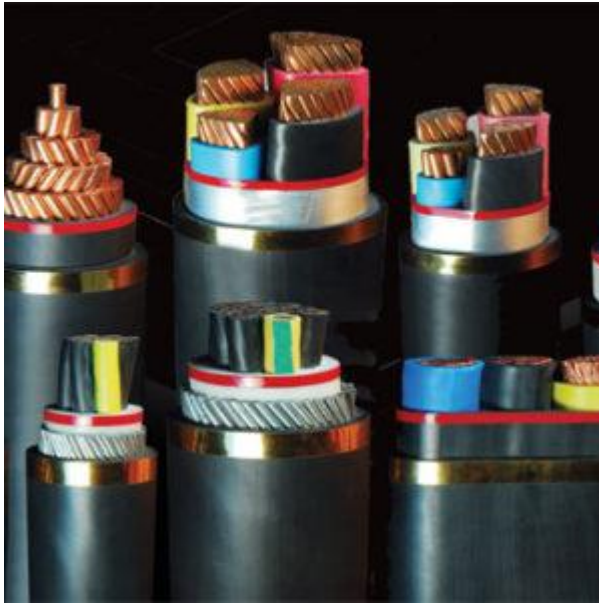


با درج گزارشی از کارخانه ایران قوطی، با خبر شدیم که هر ماهه تعدادی از کارگران قرار است اخراج شوند و تعداد این اخراجی ها تا قبل از عید به ۳۰ نفر خواهد رسید.

در همین روند نیز ۷۰ درصد از کارمندان دفتری هم اخراج خواهند گردید.

ایران قوطی به تازه گی حقوق تیرماه کارگران را پرداخته و کارگران با این پرداخت ۵ ماه حقوق طلبکارند.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه سیم و کابل همدان:



شرکت سیم و کابل همدان که کارخانه اش در همدان واقع شده است متعلق به دو برادر به نام های نادعلیزاده اهل همدان و به مدیر عاملی آقای علمیان می باشد. صاحبان کارخانه ساکن ایران و کانادا هستند. این کارخانه از بخش هایی چون ذوب فلزات، مواد سازی، تراشکاری و بخش اداری تشکیل شده است. این کارخانه به دلیل مخالفت مدیریت و چشم پوشی اداره کار از داشتن شورا محروم است. تولید این کارخانه سیم و کابل می باشد.

این کارخانه تا چندی پیش با ۲۳۰ کارگر اداره می شد که با تغییر سیاست صاحبانش در حال حاضر به ۱۳۰ کارگر رسیده است. از میانکارگران تعدیل شده ۴۰ نفر رسمی بودند.

یکی از ترفندهایی که کارفرما بکار برده حذف موضوع سختی کار می باشد که مورد اختلاف کارگران با صاحبان کارخانه است. در اوایل آبان با حضور بازرسان این سختی کار برداشته شد. در حالی که الودگی بخار الو مینیوم ومس

و دستگاه تولید آلومینیوم بخار و بوی بد یسروصدای زیاد و گرد و غبار در محل کار بسیار مشهود است. کارفرما با کم کردن سرعت خطوط و کم کردن تولید به بازرسان نشان داد که کارخانه تولید کمی دارد و حتا با خالی کردن انبارها به این موضوع رسمیت داد، تا ثابت کند سختی کار به کارگران تعلق نمی گیرد. طبق گزارش بازرسان سختی کار از هفته قبل لغو شده و رسماً به دفتر شرکت این کارخانه ابلاغ گردیده است. در صورتی که طبق تستهای قبلی شرایط سختی کار محرز شد. این در حالی است که بخش زیادی از کارگران تاکنون از این سختی کار استفاده کرده اند.

تقریباً از دو ماه پیش مدیریت دستگاه ها رو خاموش سرعتها رو کم کرده و بخشی از کارگران رو هم اخراج کردند. در حال حاضر کارگرانی که در این کارخانه کار می کنند بیش از ده سال سابقه کار دارند و با قرارداد یک ماه مشغول به کار هستند. تمام کارگران رسمی از کارخانه رفته و کارگران قراردادی ها رو با سابقه نوزده سال و هیجده سال و.. اخراج کرده اند. تا با این روش سختی کار بردارند و معترضین را هم تهدید می کنند که شرکت را تعطیل خواهند کرد. مدیریت حتا به استنادار هم فشار آورده است تا سختی کار را برداشته شود.

با اعتراض کارگران به این مصوبه وزارت کار که سختی کار در این کارخانه وجود ندارد، واکنش مسوولین اداره کار این است که ما چیزی را که می بینیم گزارش می کنیم.

البته تولید کم شده است و صاحب کارخانه به کارگران اعلام کرده تولید نداریم تولید کمه ما هزینه سختی کار بدهیم ورشکست خواهیم شد. حتا به صاحبان کارخانه از سوی کارگران پیشنهاد شده است که کارگران سهم سختی کار را خودشان پرداخت می کنند تا برای خانواده هایشان بعد از این همه سال کارکردن مشکلی پیش نیاید، اما قبول نکردند.



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مخابرات:



## خصوصی سازی اولین قربانی مخابرات ایران

**اصل ۴۴ قانون اساسی: « نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است »**

این همان قانونی است که سال ۵۸ در پنجاه و هفتمین جلسه مجلس خبرگان به تصویب رسید. با وجود بازنگری در سال ۶۸ این قانون بدون تغییر مجدداً به تصویب رسید. پس از آن بدلیل عدم موفقیت در برنامه اول و دوم توسعه، جهت کارایی آن در برنامه سوم توسعه به ناچار مورد بازنگری مجدد قرار گرفت بطوریکه از سال ۷۷ تا ۸۲ روی آن کار شد و دو سال بعد نخستین مصوبات آن ابلاغ شد.

در این میان اواخر سال ۸۵ به پیشنهاد وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و در راستای اجرای اصل ۴۴ و بنا به ابلاغیه رهبر چهارچوب کلی نحوه واگذاری شرکت های مخابرات قابل واگذاری تصویب و اواخر سال جهت اجرا ابلاغ شد.

۲۸ اسفند ۸۵ پذیرش مخابرات در بورس ثبت شد اما به دلیل اختلافات موجود در مورد واگذاری شرکت زیر ساخت و شرکت فناوری اطلاعات و همچنین جهت تصویب اساسنامه تا مهر ۸۷ سهام مخابرات در تالار بورس عرضه نشد.

در نخستین عرضه میزان ۵ درصد از کل سهام مخابرات در عرض ۸ دقیقه به فروش رسید اما نماد آن بعد از دو ماه به دلایل واهی متوقف شد. در نهایت عرضه کامل سهام مخابرات در سال ۸۸ صورت پذیرفت.

لیست متقاضیان خرید مخابرات ایران به دو نام خاص محدود می شد: شرکت پیشگامان کویر یزد و کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین

شرکت پیشگامان کویر یزد با وجود صرف ۱۵ میلیارد تومانی برای برنده شدن در این معامله در حالی ازین رقابت حذف شد که مدیر عامل آن ادعا کرد "انصراف ندادیم گفته اند خارج شوید"

شرکت توسعه اعتماد مبین اوایل آبان ۸۸ تاسیس و حدود یک ماه بعد با تاریخی ترین چک ایران به مبلغ ۱۵ تریلیون ریال ۵۰ درصد به اضافه یک سهم مخابرات را خرید.

برخی از نمایندگان مجلس وقت از جمله قاضی پور نماینده ارومیه در خصوص واگذاری مخابرات به توسعه اعتماد مبین معترض و مستنداتی را در خصوص غیر قانونی بودن این واگذاری به قوه قضاییه ارائه کردند.

تنها دستاورد این خصوصی سازی سود هنگفتی بود که به جیب این شرکت سرازیر و نیروهای انسانی ای که بعد از خصوصی شدن به بهانه برون سپاری پروژه ها به دستان بی کفایت شرکت های پیمانکاری ای سپرده شدند. این شرکتهای پیمانکاری با ندادن حقوق کارمندان خود از جمله سرویس ، رستوران، حق اولاد و دیگر مزایای رایج در قانون کار و به پشتیبانی مافیای چنبره زده در مخابرات سود های نجومی را به جیب می زنند.

در این میان باید پرسید اهداف کاهش هزینه ها، افزایش بهره وری و کیفیت خدمات به کجا رسید؟!

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از روز مبارزه با سانسور:



با توجه به عدم برگزاری مراسم روز مبارزه با سانسور و بازداشت آقایان ناصر زرافشان، آبتین، مهدی پور، و مزدک زرافشان، تا این ساعت فقط ناصر زرافشان آزاد شده است و بقیه اعضای بازداشتی کانون نویسندگان ایران در بازداشت به سر برده و خبری از ایشان نیست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت از روز مبارزه با سانسور و رعایت حق تجمع و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی خواستار آزادی هر چه سریعتر دوستان بازداشتی می باشد.

۱۲ آذر ۱۳۹۵ ساعت ۱۰ شب

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از قم:

## پیامدهای خصوصی سازی در کارخانه ها

روند خصوصی سازی صنایع و کارخانه ها تاکنون پیامدی جز پر شدن جیب عده ای فرصت طلب و محدود و خالی شدن جیب بسیاری از کارگران شریف و واقعن زحمتکش شده است. زمانی که کارخانه ها دولتی بودند و کارگران رسمی، کارفرما جرات این را ندارد تا به کارگران آن طور که دلش می خواهد امر و نهی بکند. هر وقت دلش خواست به بهانه های گوناگون تعدیل نیرو کند و فقط کارگران ضعیف و بی زبان ولی زحمتکش را اخراج کند. آری پیامد خصوصی سازی این است. قبل از خصوصی کردن بسیاری از جوانان شهر قم با تحصیلات سیکل، دیپلم... به کار در کارخانه ها می پرداختند. کمبودهایی هم بود ولی همه کار می کردند. بیکاری به ندرت پیدا می شد. اصلن انگشت شمار بود. ولی بعد از خصوصی سازی طبق آماري که بیمه بیکاری می دهد در قم بیش از ۵۰ هزار نفر بیمه بیکاری می گیرند و این غیر از بیکارانی است که بیمه بیکاری نمی گیرند و در لیست بیمه نیستند.

مدت بیمه بیکاری یکسال الی یکسال و نیم و نهایتن دوسال است. در این مدت کارگرانی که بیمه بیکاری می گیرند باید دنبال کار هم باشند. مثلن می توانند به مراکز فنی و حرفه ای رفته و دوره کارآموزی ببینند. این بد نیست اما کسی که عمری از زندگی خود را صرف کار دیگری کرده و الان صاحب خانواده است می تواند در فنی و حرفه ای کارورزی و بعد از یکسال کار کردن در کارخانه یا کارگاه دیگری با شغل دیگری کاری پیدا کند؟؟ مسلمان نه. همه این کارگران می گویند که برای کار در کارخانه باید سیاست داشت و چاپلوسی برای کارفرما کرد. چون کارفرما در میان اقوام خود بیکاران زیادی دارد که می خواهد جایگزین ما کند. از این گذشته ماهیانه چندین کارخانه در شهرک شکوهیه واقع در جاده قدیم قم به تهران که یکی از قطب های بزرگ صنعتی کشور محسوب می شوند، بسته می شود.

مهدی کارگری از قم و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

## اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

**\*\*\*به نام دادگر\*\*\***

۱- گزارش لحظه به لحظه خبرنگار پیام سندیکا از تجمع رانندگان شرکت واحد در مقابل شهرداری تهران ۱۴ آذر



با توجه به اعلام قبلی رانندگان عضو تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد در خصوص تجمع در مقابل شهرداری تهران، متأسفانه با اشغال خیابان منتهی به شهرداری توسط ماموران نیروی انتظامی و درگیری با کارگران، کارگران متفرق شده و به خیابان خیام رفته و در آنجا خواسته های خود را فریاد می زنند. در حال حاضر رانندگان در پارک شهر تجمع کرده و خواستار دیدار نمایندگانشان با اعضای شورای شهر و یا نماینده شهردار هستند.

ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه بامداد

**گزارشی تکمیلی از تجمع هم اکنون رانندگان شرکت واحد:**

متأسفانه با خبر شدید تعداد ۲۰ راننده شرکت واحد دستگیر شده اند. تا کنون نام

محمدعلی اصلاغی، امیرعباس حسینی، ناصر محرم زاده، ایرج فدایی، حسن سعیدی، وحید فریدونی، علی رضا توسلی، امیر تاخیری رسول طالب مقدم، عطا باباخانی، دلیری، هوشیاری، محمد سامی و مجید شکریان جزو دستگیر شدگان است. دستگیر شدگان به پلیس امنیت واقع در میدان ارگ برده شده اند. مذاکره برای آزادی آنان در حال انجام است.

### **گزارش تکمیلی خبرنگار پیام سندیکا از تجمع رانندگان شرکت واحد:**

با خبر شدیم تعداد ۱۶ نفر از دستگیر شدگان با اظهار اینکه مورد ضرب و شتم قرار گرفته به دستور پلیس امنیت واقع در میدان ارگ راهی بیمارستان خواهند شد. امیدواریم مذاکره برای آزادی آنان هرچه سریعتر با موفقیت به اتمام رسیده و این رانندگان آزاد شوند.

### **گزارش تکمیلی تجمع رانندگان شرکت واحد:**

با خبر شدیم کلیه رانندگان دستگیر شده در ساعت ۳ آزاد شده و به همراه دیگر رانندگان به خانه و یا محل کار خود راهی گردیده اند.

با درود به همه رانندگان زحمتکش

مبارزه برای داشتن سرپناهی مناسب ادامه دارد

### **آخرین اطلاعیه فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد**

**\*\*\*به نام دادگر\*\*\***

حرکت غیر انسانی و غیر اخلاقی امروز پلیس در مقابل شهرداری تهران که با حمله، ضرب و شتم و دستگیری رانندگان عضو تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد معترض به مسکن روبرو گردید.

زیر پا گذاشتن اصل ۲۷ قانون اساسی که راهپیمایی و تجمع را آزاد اعلام کرده است سالهاست از سوی مدیران جامعه به امری عادی بدل شده است.

ما رانندگان شرکت واحد در اعتراض به برخورد خشونت آمیز امروز پلیس در مقابل شهرداری تهران که قصد مراجعه حضوری جهت پیگیری حق مسکنمان را داشتیم فردا ۱۵ آذر از اول وقت چراغهای اتوبوسهای تحویلی خود را روشن نموده و سرعت خود را به زیر ۳۰ کیلومتر در ساعت میرسانیم. بی تردید حق داشتن مسکنی مناسب در سرلوحه اعتراضات کماکان جای خواهد داشت

## ۲- احضار رانندگان معترض توسط حراست با هماهنگی عوامل بهره برداری



در پی رعایت سرعت مطمئنه و روشن شدن چراغ اتوبوسها بعلاامت اعتراض به برخورد خشن دیروز پلیس با رانندگان عضو تعاونی مسکن شرکت واحد، متأسفانه طی ادوار گذشته باز هم عوامل حراست و بهره برداری با احضار رانندگان و با استفاده از ابزار رعب و وحشت خواستار متوقف شدن اعتراضات بحق رانندگان و خاموشی چراغ اتوبوس ها شدند.

این موضوع در حالیست که مسوولانی که خود نیز ذینفع در قبال مسکن می باشند همچنان با پا گذاشتن بروی حقایق و برای حفظ جایگاه و موقعیت خود همچنان به اشتباهات خود ادامه داده و چشمان خود را بروی ظلم آشکاری که به رانندگان می شود بسته اند.

چراغ اتوبوس ها را به زور خاموش می کنید با حق مسکن دار شدن کارگران چه خواهید کرد؟؟ سندیکای رانندگان شرکت واحد هشدار خود را نسبت به احضارهای پلیسی مسوولین اعلام وخواستار پیگیری همکاران از مراجع ذیصلاح سندیکایی می باشند.به اطلاع همکاران عزیز می رسانیم که این واکنشها و اعتراضها در شیفیت بعد از ظهر هم همچنان ادامه دارد.

**به نقل از کانال تلگرامی فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد**

**خبر تکمیلی از اعتراض رانندگان:**

اعتراض به برخورد خشن پلیس با رانندگان عضو تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد که در روز ۱۴ آذرماه اتفاق افتاد در شیفیت بعداز ظهر کار هم ادامه یافت و رانندگان با روشن نمودن چراغهای اتوبوس خود به این برخورد زشت و غیر انسانی اعتراض کردند.

آنچه مسلم است ما از حق خود نسبت به مسکن مناسب نخواهیم گذشت.  
زنده باد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی صدای بر حق رانندگان و کارکنان شرکت واحد  
درود بر همبستگی رانندگان و کارکنان شرکت واحد

**به نقل از کانال تلگرامی فعالین سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران**

**۳- مصاحبه شهردار در روزنامه همشهری یکشنبه ۹ آبان ماه ۹۵**

**شهردار تهران: پاسخ تهمت ها را با کار و خدمت می دهیم**

**یکشنبه ۱۴ آذر ماه ۹۵: پاسخ مسکن کارگران با ضرب و شتم و دستگیری توسط شهردار تهران**

به فاصله نزدیک به یک ماه از شعار دروغین قالیباف ، ماهیت ضد کارگری خود را نشان داد. قالیباف با هماهنگی نیروی امنیتی و انتظامی معنی واقعی کار و خدمت را به کارگران نشان داد. مدیری که از پس پشه های سفید شهر تهران برنیامد ، این بار در مقابلش فقط کارگرانی با دستهای خالی و بی پناه



برای حق مسکن بلاعوض خود آمده بودند، طاقت نیاورد و با بی شرمی تمام شلاق خود بر سر و تن کارگران نشانند تا کارگران بفهمند که نباید مطالبه حق مسکن خود را داشته باشند.

آقای شهردار تو برای کار و خدمت نیامده ای. جنابعالی از بذل و بخشش املاک نجومی شهر تهران به نمایندگان گرفته تا .....، نشان از ماهیت خدمت به جیب خود دارد.

آقای شهردار این را بدان که شما از خط قرمز کارگران رد شده اید و دستتان را بر روی کارگر بلند کرده اید.

آقای شهردار هشدار کارگران را جدی بگیرید. کارگران با تمام توان در مقابل شما و مدیریت خود فروخته شرکت واحد خواهند ایستاد. آنچه مسلم است ما از حق خود نسبت به مسکن مناسب نخواهیم گذشت.

زنده باد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی صدای بر حق رانندگان و کارکنان شرکت واحد

**منبع کانال تلگرامی فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد**

۱۷ آذر ۱۳۹۵

**۴- اصرار مدیریت سامانه یک برای برگزاری مجدد انتخابات شوراهای فرمایشی پس از شکست چندین باره برای چیست؟**

همکاران زحمتکش سامانه یک ،

باخبر شدیم مدیریت سامانه که سرسپردگیش به مدیرعامل جای هیچگونه شکی را به جا نگذاشته و همیشه پیشتاز استفاده از رانتهای مدیرعامل از قبیل سفرهای همه ساله کربلا، پاداش،،،،، می باشد مجددا تلاش زیرکانه و چراغ خاموش را شروع کرده است تا با استفاده از زیردستان خود در بازرسی ، حراست و عوامل بهره بردارش تلاش برای انتخابات شوراهای فرمایشی را پی گرفته است.

کارگران فهیم سامانه یک با درایت همیشگی خود ضمن خنثا کردن مجدد این انتخابات فرمایشی، بار دیگر به مدیریت سامانه یک و عوام‌لش گوشزد می‌کند بجای تلاش بی اثر برای تشکیل شورای فرمایشی بهتر نیست اندکی به فکر پرسنل و مشکلات آنان از قبیل مسکن، اسفالت خراب خیابانها ... باشید؟

آقایان مسئول بهتر نیست بجای ارتباط گرفتن با عوامل خود جهت کاندیداتوری در شورا نسبت به تحویل کاپشن با توجه به سپری شدن فصل سرما اقدام نمایید؟ جابجائی، تغییر شیفت و اتوبوس، ساعت کار و احضار توسط حراست، گرفتن اظهارات توسط مسئولین بله قربان گو در نواحی شرق و غرب از واجبات کار مفید آقایان می باشد.

آیا بهتر نیست بجای ترغیب افراد به شرکت در انتخابات مسخره شوراهای نمایشی اندکی انسانیت را سرلوحه کار خود قرار داده و کمی هم برای رضای خدا انجام وظیفه نمائید؟ بدانید که پرسنل سامانه یک همچون گذشته به شوراهایی که در کمیته های انضباطی روزه سکوت اختیار کرده و حکم اخراج برادران آنها را امضا میکنند رای نخواهند داد.

## ۵- سو استفاده های روزمره در شرکت واحد

هزینه هایی که از جیب رانندگان و کارگران شرکت واحد می رود

شستن هرروز اتومبیلهای شخصی در شرکت واحد، شرکت واحدی که متعلق به بیت المال می باشد، آن هم با آب شرکت و هزینه شرکت و...مصرف بیش از حد و اندازه آب توسط این رانندگان خصوصی جهت شستن اتومبیلهای خود، آنهم در سالیانی که کمبود آب در اولویت اول مشکلات مملکت ماست، موجب آزردن خاطر شدن پرسنلی شده که شاهد این مصرف بیش از حد آب هستند.

چرا جلوی این سو استفاده از سوی مدیران گرفته نمی شود؟

اتومبیلهایی که برای جابجایی پرسنل اداره مرکزی شرکت واحد جهت مثلا ماموریت اداری هزینه شده است، که البته این موتور پول زیر نظر مستقیم پسر

جناب آقای صادقی پیروزمعاونت منبع انسانی مشغول به کار هستند، اما پرسنل خود شرکت اجازه ندارند حتی با پرداخت مبلغی از این شستشو استفاده کنند.

اقای سنندجی به جای سرکوب کردن کارگران بهتر است جلوی این هزینه ها گرفته شود ، تا برای موضوع مسکن هی نگویید پول نیست. پول هست اما با این گونه مدیریت پول ما به هدر می رود .لازم بذکر است درزمینه مصرف بی رویه ی آب درکشور، همه ما خود را ملزم می دانیم که درست مصرف کردن را رعایت کنیم چه برسد به این سواستفاده!!!!



## ۶- نگاه برده وار مدیریت سامانه یک به رانندگان آن خط

با خبر شدیم روز دوشنبه ۲۹ آذر مقارن ساعت ۸ صبح اتوبوس به شماره ۳۳۷۸۳ که از غرب به شرق در حال حرکت بود با برخورد به عابر پیاده در ایستگاه امام حسین موجبات مجروح شدن فرد مذکور گردید.

همکاران گرامی، این اتفاق اولین آن نیست و آخرین هم نخواهد بود. اگر از زاویه دید مردم به این تصادف نگاه شود راننده و یا عابر به لحاظ فنی مقصر قلمداد می گردند، اما با نگاهی عمیق تر متوجه خواهیم شد که در پس این حوادث مدیریت ناکارآمد سامانه یک قرار دارد که با ایجاد رقابت و ترس بین رانندگان و اجبار ۶ نیمراه از آنها در یک شیفت کاری به ازای ۱ ساعت اضافه کار باعث حوادث فوق گردیده است.

از زمان پیاده شدن این طرح توسط مدیریت و بهره بردار سامانه یک میزان فشار به رانندگان و تنش میان آنها دوچندان شده است. با اجرای این طرح استرس و اضطراب، روان رانندگان را تحت تاثیر قرار داده است و اتفاقاتی از این دست گویای عدم توانایی این مدیر نالایق بوده که نمونه طرحهای غیرکارشناسی شده، از جمله حادثه فوق می باشد. مدیر سامانه یک می خواهد به رییس اش خوش خدمتی کند و نشان دهد حتما با این ناوگان فرسوده به هر شکل ممکن می توان مسافران را جابجا کرد.

راننده گرامی، روی سخن مان با شماست. تو با تحمل بیشترین فشار روانی به جهت اجرایی شدن ۶ نیمراه، فشار و اضطرابی به جسم و روح می آوری که در طول سالیان باعث سکت، پرخاشگری، عدم کنترل مناسب در حوادث، خستگی بیش از حد، بد اخلاق شدن در میان خانواده را خواهد شد. آیا روح و روان ما باید بازیچه این مدیران پاچه خوار شود؟

#### ۷- چه کسی باید به تبعیضها و مشکلات تعمیرگاه سامانه یک رسیدگی نماید؟

با وجود سرمای این روزهای پایتخت کارگاههای تعمیرگاه سامانه یک تا ساعت ۱۸:۳۰ دایر می باشد. متاسفانه شوفازهای قسمتها فقط تا ساعت ۱۵ روشن مانده در صورتی که دفتر تعمیرگاه و معاون فنی بصورت دائم روشن می باشد. در ماههای گذشته شیفت شب تعمیرگاه راه اندازی گردیده است و به دستور مسولین فنی، تعمیرکاران می بایست به اجبار و بدون توافق برخلاف قانون روزهای یک شنبه و سه شنبه در واحد مربوطه شاغل و در صورت مخالفت کارگران دابل و جمعه آنان قطع می گردد. چرا؟ در جایی که کف کارگاهها نیاز به تعمیر و بازسازی دارد.

آقایان مسول، تازه تاسیس بودن تعمیرگاه و نداشتن بودجه را بهانه قرار داده، در صورتی که دفتر آقای والی بخت توسط خدمات تزئین و نقاشی شده است. هزینه های این گونه ایا از بودجه شرکت واحد پرداخت نمی شود؟ با توجه به گزارشهای متعدد در خصوص تخلفات گسترده مسول تعمیرگاه سامانه یک متاسفانه همچنان حمایتهای کورکورانه مدیریت سامانه مربوطه را به وضوح



شرکت واحد گویی در خواب زمستانی بسر برده و هیچگونه بازخواستی از آقایان به اصطلاح مسوول انجام نداده و نخواهند داد. گوئی جان مسافرین و مردم برای شخص شهردار و مدیر خودفروزش ارزشی ندارد. نه خود شهردار بابت این حوادث به دنبال رفع مشکل و عذرخواهی میکند و نه مدیر بی لیاقتش حاضر به استعفا میشود.

آقای مدیر عامل مگر این حادثه در مجموعه تحت مدیریت شما اتفاق نیفتاده؟ شما نمی توانید سلب مسوولیت کنید. هر روز یک حادثه در سطح شهر و داخل شرکت واحد اتفاق می افتد که چیزی نیست به جز بی لیاقتی شما.

مدیران کشور فریاد اعتراض را مار قبل از اینکه دیر شود را بشنوید:

پرسنل شرکت واحد ناراضی، ناوگان حمل و نقل شهری فرسوده، جان مردم در خطر، مدیریت بی عرضه در راس کار، شهردار به جای رسیدگی به امور شهری به دنبال رییس جمهور شدن.

آیا اینها دلایلی محکم برای اخراج شهردار و مدیران شرکت واحد نیست؟



## ۱۰- همکاران شریف شرکت واحد!

فریاد حق طلبانه زحمتکشان شرکت واحد در ۱۴ آذرماه برای بست آوردن مسکن که جز حقوق ابتدایی کارگران می باشد، ابتدا سرخو نماینده شورای شهر را وادار به واکنش کرد و طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن این برخورد و عذر خواهی خواستار رسیدگی به عاملان خشونت و پیگیری مشکل مسکن کارگران شرکت واحد گردید. به دنبال آن معاون شهردار نیز طی واکنشی خواهان اهتمام و رسیدگی به خواست کارگران برای رسیدن به حق مسکن آنان شده است. دو تن از نمایندگان فراکسیون امید مجلس حسینی و آقای بادامچی در خصوص برخورد با رانندگان شرکت واحد به وزیر کشور تذکر دادند. همچنین خانم فاطمه حسینی نیز در تذکری دیگر خواستار و پیگیری برخورد با تجمع صنفی کارگران شرکت واحد شده است.

کارگران و رانندگان حق طلب شرکت واحد ضمن استقبال از واکنشهای ایراد شده توسط نماینده شورای شهر و معاون شهردار و همچنین نمایندگان مجلس اعلام می دارد که عذرخواهی و تذکر برای کارگران شرکت واحد مسکن نمی شود. ما خواهان رسیدگی به خواست مسکن مان که چندین سال به تعویق افتاده در کوتاهترین زمان ممکن می باشیم.

نمایندگان شورای شهر و مجلس شورای اسلامی بدانند کارگران شرکت واحد تا رسیدن به خواست مسکن خود به تجمعات مسالمت آمیز خود ادامه خواهند داد.

## ۱۱- چرا کارگران شرکت واحد به شوراها نه میگویند!

بررسی عملکرد شوراهای فرمایشی شرکت واحد در طول سالیان گذشته به درستی نشان می دهد که این شوراها بر خلاف نامی که یدک می کشند نه تنها در جهت منافع کارگران هیچ قدمی بر نداشته اند، بلکه با گرفتن اضافه کار و انواع تسهیلات از سوی مدیریت، همچون برده ای حرف شنو منتظر دستورات اربابان خود بوده اند. امروزه ایستادگی در مقابل تشکیل شوراهای نمایشی وظیفه هر کارگر شرافتمند شرکت واحد است. عضو شوارایی که به خاطر چند ساعت اضافه کار و تسهیلات رفاهی مدیریت، اقدام به امضا حکم اخراج

همکارش می‌کند و در کمیته انضباط کار روزه سکوت می‌گیرد، هیچگاه نمی‌تواند در جهت منافع سایر کارگران قدمی بر دارد. کارگران آگاه سامانه یک، بار دیگر با عدم شرکت در انتخابات مدیریت و حراست، وارد بازی آنان نمی‌شوند تا درسی باشد برای مسوولینی که به جای پیگیری حقوق کارگران دنبال تشکیل شوراهای انتصابی هستند.

حمایت بی‌دریغ کارگران از سندیکا نشانه انتخاب درست و آگاهانه کارگران به جهت نمایندگی آنان، با توجه به همه آزار و اذیت‌های ادوار گذشته، هست و خواهد بود. کارگران با تمام عشق و وجود از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت می‌کنند. با امید پیروزی

## ۱۲ - حادثه پشت حادثه!

همکاران زحمتکش شرکت واحد،

پس از حادثه ۲۹ آذر ماه در ایستگاه امام حسین و ۳ دیماه در ایستگاه فرودگاه، متأسفانه باز هم باخبر شدیم در ۴ دیماه اتوبوس یانگ من بشماره ۷۹۹۲۳ که در مسیر غرب به شرق تهرانپارس در حال جابجایی مسافر بود، در ایستگاه وحیدیه با عابر پیاده برخورد و موجبات جراحت در ناحیه سر و دست و آرنج عابر مصدوم به صورت جزیی گردیده که به بیمارستان منتقل شده است.

تکرار اینگونه حوادث و عدم واکاوی اینگونه اتفاقات در شرکت واحد، نشان بی تفاوتی در راس هرم مدیریتی شرکت واحد می‌باشد. ریشه اینگونه حوادث در شرکت واحد به اعتقاد فعالان سندیکایی شاغل در شرکت واحد به این دلایل است:

- ۱- سالیانه رانندگان و کارگران شرکت واحد درگیر مسائل معیشتی و حقوقی خود بوده و بزرگترین دغدغه آنها تامین معاش زندگیشان می‌باشد ۲- پرسنل شرکت واحد سخت ترین کار را انجام می‌دهند و کمترین بهره را می‌برند.
- ۳- بلا تکلیفی حق مسکن کارگران، ورود بخش خصوصی (نداشتن امنیت شغلی) تحمیل شورای فرمایشی، تنش در محیط کار، عدم نظارت بر عملکرد سلیقه ای مدیران نواحی غرب و شرق ۴- بی مسکنی و دغدغه اجاره خانه



موارد بالا باعث شده تا روح و روان کارگران درگیر مسایل بالا گردد و موجب شده رانندگان هیچگاه با خیالی آسوده و اعصابی راحت پشت فرمان اتوبوس ننشینند. ناوگان فرسوده و مدیریت ناکارآمد شرکت واحد از دیگر عوامل اینگونه حادثه ها می باشد. پس ریشه اینگونه حوادث و فقط و فقط به شرایط سخت کاری رانندگان برمی گردد و بس.

آقایان به دنبال مقصر نگردید. همه این گونه حوادث مقصرش مدیریت بی عرضه شرکت واحد بوده و هست.

## اعتصاب خلبان های لوفت هانزا

با شکست خوردن مذاکره اتحادیه خلبان های لوفت هانزای آلمان با مدیران این شرکت هفتمین روز ( ۹ آذر ) اعتصاب نیز پشت سر گذاشته شد و تا فردا ادامه خواهد داشت. سخنگوی اتحادیه خلبان های آلمان می گوید: چهارسال متوالی است که در حال مذاکره هستیم، ولی تا کنون نتوانسته ایم به هیچ توافقی در رابطه با افزایش دستمزد خلبان ها برسیم. ما خواهان افزایش دستمزد خلبان ها در یک مرحله بیش از سه درصد هستیم.

در جریان اعتصاب چهار روز گذشته ۲۷۵۵ پرواز لوفت هانزا لغو و بیش از ۳۴۵ هزار مسافر سرگردان شدند. این اعتصاب روزانه ۱۱ میلیون دلار به شرکت لوفت هانزا زیان وارد می سازد.

کارفرمایان با آگاهی کامل از این زیان در تقابل با اتحادیه خلبان ها هستند. لغو پروازها به اعتبار این شرکت ضربه ای اساسی وارد خواهد ساخت.

لوفت هانزا که بزرگترین شبکه هواپیمایی اروپاست برای شکست دادن اتحادیه خلبان ها و بی اعتبار کردن آن و نیفزودن به حقوق خلبان ها زیان های بیشتری را تحمل خواهند کرد.

## یلدا بر بهبود خواهان زحمتکشان و صلح دوستان شادباش!



شب یلدا به کام همه شیرین. از زحمتکشانی که در عرصه تولید کار می کنند تا کارتن خوابی که در سوز سرمای امشب به دنبال جان پناهی است.

یلدا بر پرستارانی که جان مردم را نجات می دهند و بر زنان تن فروشی که سیستم اجتماعی حاکم آنان را وادار به تن فروشی کرده است تا نانی به خانه ببرند، نیز شاد.

یلدا بر رانندگانی که در جاده ها آواره نانی هستند و کودکان کاری که در خیابان و کارگاههای کوچک استثمار می شوند تا نانی به خانه ببرند نیز، شیرین.

یلدا بر آموزگارانی که شب را کنار می زنند تا صبحی روشن را آشکار کنند نیز چون آب گوارا باد.

یلدا بر شب شکنان پشت دیوارهای زندان که صبح را در اتحاد خلق می بینند، شاد باد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران یلدای باستانی را به عموم مردم ایران شادباش گفته شبی پر از شادی و گرم بودن خانه ها را با خنده های کودکان در این روزگار سخت برایتان آرزو مندست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۳۰ آذر ۱۳۹۵

یلدای ستم شکسته بادا      روز همگان خجسته بادا

زنجیر ستم ز پای ملت      با وحدت ما گسسته بادا

محمد حسین خوان یغما پیشکسوت سندیکای فلزکارمکانیک



## لزوم توجه شهرداری تهران به محلات فرودست کارگرنشین برای فقرزدایی نیاز به بودجه‌های کلان هم نیست!

خبرگزاری ایلنا: مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران گوید: شهرداری به جای تصویب بودجه‌های کلان برای بهسازی و ساماندهی، به مسائل زیستی مناطق کارگرنشین توجه کند.

مازیار گیلانی‌نژاد، در گفتگو با ایلنا با اشاره به مصوبه اخیر شورای شهر تهران مبنی بر ساماندهی و بهسازی منطقه ۱۲ تهران و تخصیص بودجه ۲۰۰ میلیارد تومانی به شهرداری برای این منظور گفت: موضوع این است که علیرغم این هیاهوها، در سالهای گذشته، کوچک‌ترین اقدامات عملی جهت رفاه ساکنان محلات فرودست کارگرنشین انجام نشده است. در همین منطقه ۱۲ که می‌خواهند بهسازی و ساماندهی انجام دهند، منطقه‌هایی هست مثل محله امامزاده یحیا که حداقل‌های رفاهی و زیستی را ندارد. در امامزاده یحیی فعالان مدنی و کارگری سه ماه پیش از شورای محله و شهرداری خواسته‌اند که یک سری امکانات به این محله بدهند. برای مثال چون شبها کارگران جنسی و کودکان کار از کوچه‌هایی عبور می‌کنند که ناامن هستند، در این کوچه‌ها چراغ گذاشته شود یا برای جلوگیری از انتقال آلودگی و گسترش آن، سطوح بزرگ زباله در کوچه‌ها گذاشته شود؛ اما هیچ پاسخی به این خواسته‌ها داده نشده است.

این فعال کارگری افزود: شهرداری یک حمام رایگان هم در این محله درست نمی‌کند. این محله یک حمام عمومی دارد که برای هر نفر ساعتی ۵ هزار تومان می‌گیرد. حالا فرض کنید یک خانوار کارگری ۴ نفره، هفته‌ای یک روز هم بخواهند حمام بروند، ماهی ۸۰ هزار تومان فقط باید بابت آن هزینه کنند، با دستمزدهای ۸۰۰ هزارتومانی، این هزینه را کجای سبدخانوارشان بگنجانند؟

گیلانی‌نژاد ادامه داد: این محله نه تنها حمام رایگان که درمانگاه رایگان هم ندارد و کودکان کار و کارتن خواب‌ها، در معرض انواع بیماری‌ها قرار دارند. وقتی این امکانات اولیه نیست، هم بیماری زیاد می‌شود و هم آسیب‌های اجتماعی گسترش می‌یابد.

این فعال کارگری با بیان اینکه این بودجه‌های کلان میلیاردری فقط صرف زیباسازی محلات می‌شوند؛ افزود: قصد مسئولان شهری این است که به جای آسیب زدایی اساسی، فقط آسیب‌ها را از جلوی چشم بردارند و شهر را خوش منظر کنند. مشکلات محلات فرودست کارگرنشین را با کمترین هزینه‌ها می‌توان حل کرد و نیاز به بودجه‌های آنچنانی نیست. اما مساله این است که در شهرداری تهران اهمیتی برای حل این مشکلات وجود ندارد و اوضاع سالهاست که بر همین منوال باقی مانده است.



## وزارت بهداشت چتر درمان کارگران را سوراخ نکند!

فریبرز رییس دانا، در رابطه با طرح ادغام بیمه ها به خبرنگار اینلنا گفت: هر طرح اجتماعی مهمی مثل طرح ادغام بیمه های درمانی جنبه های متفاوت اجتماعی و اقتصادی دارد و این جنبه ها باید بررسی کارشناسی شود و این در حالی است که در خصوص طرح سلامت بررسی جامعی نبوده است و همه جنبه های مرتبط با آن دیده نشده است. از طرف دیگر این طرح ها باید مبتنی بر حضور، اظهار نظر، نقد مردمی و کارشناسی باشد. به ویژه از سوی کسانی مانند کارگران که طبق قانون هم در اموال سازمان تامین اجتماعی سهم هستند و هم مصرف کننده اصلی این فعالیت ها هستند.

رییس دانا با اشاره به اینکه طرح سلامت هیچ کدام از این مسیرها را طی نکرده است، گفت: ناکارآمدی پیشنهاد غیرقانونی ادغام درمان تامین اجتماعی درست مانند لایحه معیوب اصلاحیه قانون کار است.

وی بابت این که دولت در هیچکدام از این دو دعوای قانونی نیز از هیچ کارگر یا نماینده کارگری و نظریه پردازی کمک نگرفته است، گفت: این وضعیت در حالی که است که اگر قرار باشد در لایحه یا طرحی راجع به سود، سرمایه و امنیت سرمایه داران تصمیم گیری بشود، قطعاً نویسندگان آن به شکل مرتب از اتاق های بازرگانی و انجمن های صنفی و اقتصاد دانان این حوزه کمک گرفته می شود. طرح جامع سلامت، ارزشهای خوبی در آن بود و آثاری نیز گذاشت اما اجرای غلط آن در نهایت باعث شد تا با بالا رفتن تعرفه های خدمات دارویی و درمانی، پاشنه آشیل نظام درمانی کشور بیش از گذشته شکننده شود.

وی در توضیح نارسایی های خدمات درمانی موجود در کشور گفت: واقعیت این است که جریان سوداگری به پزشکی نفوذ کرده و در نتیجه اکنون به نظام سلامت کشور با نگاه ماشینی پول سازی نگریسته می شود. نتیجه این وضعیت این است که از زمان وصل شدن

اعتبارات صندوق‌های بیمه‌ای به طرح تحول سلامت، از یکسو قیمت تعرفه‌های پزشکی توسط تعیین‌کنندگان افزایش نجومی داشته است که نتیجه آن افزایش صف‌های بیماران نیازمند خدمات درمانی دولتی است.

او با بیان اینکه « برآیند و بیلان طرح جامعه سلامت مثبت نیست» افزود: برای اینکه آثار منفی مربوط به صف و گرانی‌ها خودشان را نشان دادند. سوداگران درمان با قطعیت وارد این رشته شده است اگر دولت و سرمایه‌داران می‌خواهند با این پدیده جوری رقابت کنند، حق مردم و کارگران را بدهند باید قاطع تر و محکم تر برخورد کنند.

این کارشناس مسائل اقتصادی با اشاره تجربه شخصی خود از مراجعه به یک بیمارستان خصوصی و دولتی گفت: برای یک بیماری که داشتم مجبور شدم به بیمارستان خصوصی بروم و باوجود پرداختی نسبتن سنگینی که داشتم اما احساس کردم که کادر درمانی و پزشکی با مراجعه کنندگان رفتاری کالایی دارند. بعد از این ماجرا برای یک کسالت دیگر به یک بیمارستان دولتی مراجعه کردم و مشاهده کردم با وجود پرداخت هزینه ای به مراتب کمتر، پرستاران، پزشکان و سایر کارکنان با بیماران رفتار مناسبی داشتند. قطع یقین استمرار خدمات درمانی مراکز دولتی برای جامعه بسیار حائز اهمیت است و ماهیت وجودی این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها از ساخت سدهای پرهزینه‌ای که امروز باعث از بین رفتن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و محیط زیست شده بیشتر است. به طور حتم توده آگاه مردم متوجه ضرورت حفظ و توسعه کمی و کیفی خدمات درمانی عمومی بوده و هست اما نکته قابل تامل این است که روند اجرای طرح تحول سلامت تا چه اندازه می‌توان در راستای حفظ و استمرار خدماتی درمانی رایگان ارزیابی کرد.

رئیس دانا با انتقاد از وزیر بهداشت گفت: وقتی مدیران وزارت بهداشت و درمان در مواجهه با منتقدانی که نسبت به روند تعرفه‌گذاری خدمات درمانی و توزیع اعتبارات نظام سلامت میان بخش‌های مختلف اعتراض دارند از ابزار سفسطه و موضعگیری ایدئولوژیک استفاده می‌کنند، معلوم است که یک جایی دل در گرو سوداگری دارند.

او با بیان اینکه به همین دلیل است که طرح جامع سلامت ناقص و ابتر از کار در آمده است، افزود: مجریان این طرح به جای آنکه درصدد مهار و کنترل بالا بردن تعرفه‌های دارویی و درمانی باشند تنها سنگ ادغام درمان تامین اجتماعی و دست‌اندازی به اموال کارگران را به سینه خود می‌کوبند و حتی به صاحبان صندوق‌های مختلف درمانی اجازه کشیدن کوچکترین سرکی را هم نمی‌دهند.

طومار امضا شده ای که از سوی فروشندگان شهرستان نور به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ارسال و در اختیار خبرگزاری ایلنا قرار گرفت :

## درخواست رسیدگی به حقوق قانونی کارگران فروشگاهها

جمعی از کارگران فروشگاههای شهرستان نور مازندران در نامه ای خطاب به وزارت کار، خواستار رسیدگی مسئولان به حق و حقوق قانونی خود شدند .

به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از کارگران فروشگاههای شهرستانهای نور، ایزدشهر و رستمرو در استان مازندران، در نامه ای جمعی خطاب به مسئولان وزارت کار و تامین اجتماعی خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت شغلی خود شدند.

در این نامه که یک رونوشت آن برای خبرگزاری ایلنا فرستاده شده؛ آمده است: کارفرمایان فروشگاهها اضافه کاری ما را محاسبه نمی‌کنند و نسبت به پرداخت بیمه و حق و حقوق ماهانه ما سهل انگاری می شود.

در این نامه کارگران آورده اند که مراجعه به اداره کار شهرستان نور تا کنون بی‌نتیجه بوده است و هیچ گونه اقدامی از جانب مسئولان محلی صورت نگرفته است.

این کارگران در انتها از مسئولان کشوری خواسته‌اند که به وضعیت آنها رسیدگی کنند.

«نخستین هدف یک کارگر سندیکایی توسعه سندیکا و مبارزات سندیکایی است. این هدف محقق نمی شود مگر آنکه سندیکا‌های کارگری همواره این پرسش را پیش روی خود قرار دهند که اقدام های آنان چه تاثیری بر وضعیت و زندگی کارگران گذاشته است و هر حرکت کارگری تا چه حد توانسته است کارگران را متحد تر کند»

دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران:

## چنگ به سوی سرمایه‌های کارگران انداخته‌اند

### تنها صندوق سرپا، صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی است

دست اندازی به منابع مالی کارگران بخشی از سیاست های تعدیل ساختاری است که با هدف جبران کاستی‌های درآمدی دولت انجام می‌شود.

ناصر آقاجری، دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران در گفتگو با ایلنا در ارتباط با طرح ادغام صندوق درمان سازمان تامین اجتماعی در بیمه سلامت گفت: با وجود همه پدیده‌های نا به هنجار اقتصادی سالهای اخیر، تنها صندوقی که هنوز توانسته بر روی پای خود بایستد، صندوق بازنشستگی سازمان تامین اجتماعی است. چرا که سیاست‌های دولت‌های پس از جنگ، تنها راه را برای کسانی باز گذاشته که سر سپرده سیاست‌های سرمایه داری مالی و صندوق بین المللی پول هستند و در نهایت شاهد بیش از دو دهه رکود و تورم هستیم که بحران صندوق‌های بازنشستگان یکی از معلول های آن است. تامین اجتماعی تنها سازمان بزرگ با سرمایه کلانی است که بوسیله پس اندازهای میلیون‌ها کارگر از سال ۱۳۲۶ تا به امروز توانسته در اقتصاد کشور تاثیر پویایی داشته باشد؛ آن هم به رغم بسیاری از مشکلات و ناملايمات و ضعف‌های مدیریتی. از سوی دیگر دولت‌های پس از جنگ با گسترش مناطق آزاد تجاری- صنعتی ضربه سنگین دیگری بر پیکر تامین اجتماعی وارد کردند زیرا با این طرح ضد کارگری و ضد ماده ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی کشور، همه کارگران این مناطق از شمول قانون کار خارج شدند و بدین گونه علاوه بر محروم کردن تامین اجتماعی از یک درآمد قانونی، کارگران متخصص، تکنیسین‌های با تجربه و مهندسان این پروژه‌ها را از حق قانونی بازنشستگی محروم نمودند. از سوی دیگر دولت بدهی‌های ناشی از مدیریت نولیبرالی ش را به تامین اجتماعی پرداخت نکرده است در سال ۱۳۸۴ بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی حدود ۶ هزار میلیارد تومان بوده است در حالی که این رقم اکنون به مرز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است

وی با بیان اینکه بازنشستگی پیش از موعد در دوره شوک درمانی دولت پیشین، تعداد مستمری بگيران را دو برابر نمود؛ افزود: این اقدام هم یکی از جنبه‌های سیاست‌های تعدیل ساختاری بود. و از طرف دیگر چون قرارداد موقتی‌ها با انواع ترفندهای مختلف از شمول قانون کار خارج شده‌اند (مانند خارج شدن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کار) ورودی درآمد به صندوق‌های بازنشستگی محدود شده ولی با بازنشستگی پیش از موعد خروجی آن افزایش یافته است.



ناصر اقاچری در ادامه بحث افزود: جنبه دیگر سیاست‌های تعدیل ساختاری، وجود مدیریت‌های ناکارآمد است که تنها کاری که می‌کردند دریافت حقوق و پاداش‌های چند صد میلیون تومانی برای خود و نزدیکانشان بود. به طور کلی باید گفت لایحه اصلاح قانون کار و ادغام تامین اجتماعی را باید از این زاویه نگریست که نشان می‌دهد دولت وامانده و مستاصل در سیاست‌های نادرست نولیبرالی، در حال غرق شدن است، از این رو، چنگ به سوی سرمایه‌های کارگران (سازمان تامین اجتماعی) انداخته است.



حسین امیدوی عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران:

## کارفرمایان برای تامین ایمنی کارگران ساختمانی باید تحت فشار باشند. بازرسی‌ها به بعد از حادثه محدود شده

خبرگزاری ایلنا. حسین امیدوی می‌گوید: تا زمانی که کارفرمایان برای تامین ایمنی کارگاه تحت فشار نباشند، نمی‌توان نسبت به کاهش آمار حوادث کار کارگران ساختمانی امیدوار بود.

کارفرمایان، کارگران ساختمانی را هنگام کار «به امید خدا» می‌سپارند و توجهی ندارند که عدم تامین ایمنی کارگاه بر اساس ضوابط استاندارد ضروری است.

امیدی با انتقاد از آمارهای ارائه شده از حوادث کار برای کارگران ساختمانی افزود: با یک بررسی میدانی ساده در سطح شهرها می‌توان دریافت که اکثر کارگران ساختمانی دچار جراحتهایی در نواحی مختلف بدن خود هستند که این ثابت می‌کند حوادث کار کارگران ساختمانی بیش از ۵۰ درصد است.

این فعال صنفی کارگران ساختمانی افزود: از طرفی در کارگاه‌های ساختمانی با کمتر از ۲۰ نفر کارگر، ناظر ایمنی وجود ندارد و این ناظران را غالباً می‌توان در کارگاه‌هایی با جمعیت بیشتر از ۱۰۰ یا ۲۰۰ کارگر ساختمانی دید.

امیدی با تاکید بر اینکه فشار بر کارفرمایان برای رعایت ایمنی کارگاه ساختمانی ضروری است، گفت: بازرسین ایمنی ادارات کار باید قبل از وقوع هر حادثه احتمالی از کارگاه بازدید کنند اما این بازرسی‌ها صرفاً به بعد از وقوع حادثه محدود شده است.

وی با تاکید بر اینکه برگزاری کلاس‌های ایمنی کار برای کارگران ساختمانی ضروری است، تصریح کرد: بسیاری از کارگران آموزش ندیده‌اند و کارفرما نیز از آزموده نبودن کارگران سودجویی می‌کند.

این فعال صنفی کارگران ساختمانی افزود: برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که کارگر ساختمانی تا زمانی که آموزش‌های کامل ندیده باشد؛ به کار مشغول نشود و خود کارگر نیز نباید در این شرایط الزامی برای کار در کارگاه ساختمانی داشته باشد.

وی با اشاره به اینکه بیشتر کارگران ساختمانی بیمه نیستند که همین ظلم بزرگی در حق آنهاست، تصریح کرد: در این شرایط با قطعیت می‌توان گفت که زندگی کارگر حادثه دیده متلاشی شده است و هیچکس قادر نیست جوابگوی کارگر و خانواده وی باشد.

## هماهنگی میان تمام فرادستان برای مبارزه با حقوق مسلم کارگر دارند ثابت می‌کنند در تصمیم‌گیریها جایی برای کارگران نیست

بهرام حسنی نژاد دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو معتقد است: اصرار بر بررسی و تصویب لایحه اصلاح قانون کار در مجلس، دنباله جریان مداومی است که سالهاست علیه حقوق کارگران به راه افتاده است.

بهرام حسنی نژاد، در گفتگو با ایلنا با اشاره به اصرار نمایندگان کمیسیون اجتماعی مجلس برای به رای گذاشتن لایحه اصلاح قانون کار علیرغم مخالفت های کارگران؛ گفت: بحث تدوین این لایحه در دولت قبل و ارجاع آن به مجلس در دولت فعلی و عملکرد نمایندگان مجلس که بر این لایحه، مهر تایید می‌زنند، همه و همه نشان دهنده یک هماهنگی میان تمام گروه های تصمیم گیرنده برای مبارزه با حقوق مسلم کارگر است. همه فرادستان و تصمیم‌گیرندگان نشان دادند هیچ وقعی به حقوق کارگران نمی‌گذارند و این ادامه جریان مداومی است که از مدتها قبل برای حذف قوانین حمایتی و کاستن از حقوق کارگر شروع شده که نمونه‌های آن ایجاد و گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و حذف کارگاههای کوچک از شمول قانون کار است.

جالب اینجاست که در طول سالها شاهد بودیم که از این حذف ها و تقلیل ها نه به بهره وری موردنظر خود رسیدند و نه آنطور که ادعا می‌کردند، اقتصاد رونق گرفت ولی کماکان بر همان طیل سابق می‌کوبند و به قانون‌زدایی اصرار دارند. حالا این بار دست به حمله همه جانبه و فراگیر زده‌اند؛ این حمله به قانون کار هم با مقاله‌نامه‌های بنیادین کار مغایرت دارد و هم در تضاد با قانون اساسی و وظایف حاکمیتی دولت و مجلس است و با این حمله دارند ثابت می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌ها جایی برای کارگران نیست.

این فعال کارگری با بیان این که نادیده‌گرفتن حقوق، موجب سلب اعتماد کارگران است؛ تصریح کرد: آقایان به عواقب چندجانبه این بی‌اعتمادی توجهی ندارند و نمیدانند که عدم حمایت از کارگر به عنوان بازوان تولید و سازندگی، در همه عرصه‌ها تاثیر خواهد گذاشت.

این نوع اقدامات دولت و مجلس نشان‌دهنده این است که سیستم حاکمیت برای زحمتکشان و کسانی که نان خود را با شرافت به دست می‌آورند، ارزشی قائل نیست و بدیهی است که این عملکردها روی معیشت و زندگی طیف های گوناگون اجتماعی از قبیل معلمان، دانشجویان و اقشار متوسط نیز اثر خود را خواهد گذاشت. در شرایط فعلی، تنها راه حل ممکن برای مقابله با این دست اقدامات ضد کارگری، اعتراض همه جانبه و گسترده کارگران و وحدت عمل آنهاست.

## شهر اندیشه یا شهر مغازه ها و پاساژها

اندیشه شهری که آنرا باید شهر شرکت عمران دانست. چیزی از عمر و تولد این شهر تازه تاسیس در غرب تهران نگذشته است که باید آنرا شهری تجاری و سپس مسکونی خطاب کرد. زیرا در هر گوشه و اطراف شهر پاساژها و بازار روز و مغازه ها برزندگی مردم سایه انداخته است. جز تعداد معدودی از پاساژها که از اقبال خاصی برخوردار بوده اند بقیه رونقی ندارند.

بازار بزرگ اسلامی که کپی برداری از بازار امام اصفهان ساخته شده از جمله بازارهایی است که شرکت عمران در آن سهم دارد و حدود ۵۰۰۰ هزار مغازه دارد. از طرفی هایپر مارکت ها و فروشگاه های بزرگ همچون کوروش و مقوایی، بازار کاسب های خورده فروش را کساد و هرروز تعدادی با اعلام ورشکستگی اقدام به جمع آوری مغازه خود می کنند.

در این شهر بازار تعریف شده و منازل مسکونی نیز تعریف خاص خود را دارد اما در اقصا نقاط این شهر زیبا دیده می شود که منازل مسکونی اتاقی را تبدیل به مغازه و چهره زیبای شهر را با پرداخت جریمه زشت کرده و چون غده ای سرطانی در دل شهر دیده میشوند. حال سوال اینست با این همه پاساژ، مغازه، هایپر و واحد های تجاری در دل این شهر مسکونی برای چه و برای کدام جمعیت ساخته میشود؟ با کدام رونق اقتصادی؟ توجیه اقتصادی آن چیست؟ اگر هدف اشتغال زایی است! پس فروشگاههای زنجیره ای کوروش و مقوایی هایپر ها که تعلق به آفازاده ها دارد با چه توجیهی باعث ورشکستگی کسبه خورده پا میشود؟

درکشورهایی که قانون حاکم است. ارزان فروشی و گران فروشی جرم محسوب میشود. قیمت کالا در سراسر کشور یکی و باید مقطوع باشد، نه اینکه هرج و مرج بر بازار قالب باشد؟ شهر داری به دنبال درآمد زایی برای خود است. هم اکنون ده ها پروژه دیگر در دست اجراست بازار بزرگ موبایل... چندین بازار روز به فاصله صد متر از همدیگر. با توجه به جمعیت اندیشه که اکثرا کارمند و زیر خط فقر هستند هیچ توجیهی نمی توان برای این حجم از بازار کسب بی رونق پیدا کرد. جز حیف و میل مصالح و به هدر دادن منابع پولی. بی تردید مدیریت شهر اندیشه فقط به فکر لفت و لیس خود است و گرنه اجازه این کار را نمی داد.

**فریدون اندیشه**

## چرایی خشم کارگران



Iranian Labour News Age

خشمی تمام نشدنی در چهره برافروخته کارگران است؛ خشمی که سرشار از محیط ناامن اقتصادی و شغلی او می باشد و در هزاران ترس نارسیده از قحطی بی درنگ بر درب خانه اش می گرید؛ اما به ما چنین تلقین شده است که یک مرد گریه نمی کند؛ بلکه یک مرد خشمگین می شود و بر بساط بی مهری و بد طینتی شبیخون میزند و فریاد میزند....

کارگران پروژه های نفتی ما که داغ بردگی بر چهره های پر از حقارتشان از آن دور پیداست، همچنان در مسیر سربلندی خانواده هایشان بردبارانه کار میکنند و از کنار همه بی مهریهایی که نسبت به شخصیت و منش کارگری آنان وارد می شود به آسانی میگذرند تا در مسیر کسب نان و درآمد وارد حاشیه نشوند... آنها بسیار برای حقوق کارگری خودشان زبان به اعتراض گشودند و تا توانستند از راه مسالمت آمیز وارد گفتگو شدند تا شاید برای توقف نارسایی ها تدبیری اندیشه شود. اما چه سود که زبان چپاولگری را فقط میتوان با اهرم فشار به زانو درآورد تا شاید مجبور شود به دیده انصاف بنگرد... و کاملن پیداست که این اهرم فشار را فقط از طریق اعتصاب میتواند انجام دهد. اما چه شده است که جسارت اعتراض و زبان منطق از کارگران ساقط شده است و

حتی از نام اعتصاب هم می ترسند؟! ... ما که جز حقوق عقب مانده خود و ایجاد شرایط درست حقوقی و امکانات درست برای ادامه کارگری شرافتمندانه خواسته دیگری نداریم.... مگر سال ۱۳۹۴ نبود که بخاطر عقب ماندن ۵ الی ۶ ماه دستمزد کارگری در فازهای ۲۰ و ۲۱ و ۱۳ و ۲۲ و ۲۴ اعتصابات بزرگ و گسترده بصورت خودجوش صورت می گرفت و تا پایان انجام خواسته ها ، گاه تا ۴۰ روز یا دو ماه اعتصاب ادامه می یافت و در پایان درب پالایشگاهها بسته میشد که در صورت تعطیلی کامل پالایشگاه، کارفرمای شرکت نفت به زانو در می آمد و کیسه های جادویی خود را که پر از اسکناس بود با نگاهی سرد برای دستمزد کارگران واریز میکرد... و در پایان تمام کارگران را اخراج و بلک لیست میکردند....

بیکاری چنان فشار آورده است و مردم را در تنگنا گذاشته اند که نام اعتصاب هم آزار دهنده است... آنها در جواب درخواستهای ما برای دستمزدهایمان میگویند که پول نیست... و این مایه حیرت همگان است که مگر چه شده است که پول نیست؟! مگر میزان استخراج نفت و گاز و فروش آن رو به کاهش رفته است؟؟؟ که چنین حدسی به هیچ وجه درست نیست و روز به روز فروش نفت و گاز هم بالاتر از روزها و سالهای پیشین هست؛ چرا که خوشبختانه تعداد پروژه های نفت و گاز هم در حال افزایش هست و از این پولها در جهت رفاه عمومی و پیشبرد اهداف عمومی استفاده ای نمی شود. حال این قضیه (پول نیست) به طنز احمقانه ای می ماند که تنها حسرت آن بر سفره های کارگران سنگینی می کند.

امیدواریم کلمه شایسته نیست که مسئولین سرزمینمان کمی از پوسته خود بیرون بیایند و تیرگی و افسردگی و محنت زدگی را در چهره های مردم ببینند تا خود را شاید پیدا نمایند، بلکه باید آگاه شد، آگاهی را پراکند و سازماندهی سندیکایی نمود تا از حقوقمان دفاع کرده و به حقمان برسیم.

**با سپاس... وارتان خرمدين عسلیويه ۱۳۹۵/۹/۱۱**



با سلام، نشریه ی واگوییہ که در رابطه با کودکان کار و با همت موسسه کوشا در سطح کشور و در محطی های علمی و فرهنگی توزیع می شد. که متأسفانه چند شماره ای بیش نبود. سرمقاله یکی از شما ره ها را اینجانب نوشتم که تصویرش را برایتان می فرستم. این نوشته هم در رابطه با آن ایام است.

دانشگاهی ها آمدند ، ورزشکاران آمدند، حتی قهرمانها آمدند، از مجلس آقای محبوب یک روز کامل کنار ما بود و سخنرانی هم کرد.

در همان زمان بود که از طرف دیگر جوانانی خفت گیر پیدا شدند که اتومبیل های گران قیمت را با موتور دنبال میکردند وقتی سرنشین وارد خانه شمالی اش میشد آنها هم وارد میشدند و با قمه صاحب خانه و اتومبیل را تهدید می

کردند. تا، پول و اشیای قیمتی را می گرفتند و سریع فرار می کردند. گذار این سارقین ناخودآگاه به سرقت منازل افراد حکومتی رده بالا کشیده شد.

رهبری با خبر شدند که این اعمال توسط جوانانی از محله ی میدان غار بوده دستور محاصره ی محله و پاکسازی آن را میدهند. این موضوع را سرهنگ جان قلی گفت. ایشان مسئول خانه های سبز آن زمان بود. افسری شریف و با همت. سرهنگ جان قلی نزد رهبری می رود و با مذاکره طرح محاصره منتفی میشود. رهبر دستور اقدام میدهند، رئیس دولت وقت آقای خاتمی بودجه ی کلانی به این امر اختصاص میدهند و تأکید میکنند که این ننگ باید از چهره ی پایتخت پاکشود

حکومتی ها آمدند، به مدت ۶ ماه یک طرح جامع برای حل معضل کودکان کار تصویب شد. کارشناسان حکومتی با کمک تشکل های مربوطه (به خصوص انجمن حمایت از کودکان کار) وقت زیادی برای پیش برد طرح سر کردند اما بودجه ی مربوطه بین راه چاپیده شد و تنها یک جشن هندوانه خوری در پارک هرندی میدان غار برگزار شد.

یکسال بعد وقتی اینجانب در یک جلسه که آقای مهدوی واعظ (مسئول پیشبرد طرح) و معاونت اجتماعی رییس جمهور هم حضور داشتند موضوع را مطرح کردم و نتیجه ی آن همه زحمت و تلاش را خواستم. جوابی داده نشد. تنها یک سردار پیر مرد که گویا پدر سرداران شهید بود با صراحت گفت که بودجه ی مربوطه بین راه خورده شده است. از آقای مهدوی واعظ خواستند که شما معاون رییس جمهور هستید چرا همین حالا شهردار وقت را نمیخواهید که به این سوال ها پاسخ دهند و جواب سکوت بود.

البته شهردار وقت بعد ها از کار برکنار شد ولی نظر من این است که تا زمانی که ما سیستم اداری پاک نداشته باشیم کارهای انسانی بزرگ نمیتوانیم انجام دهیم .

تا این فلک است و این روزگار از این ویرانه ها دهمت هزار هزار

**باتشکر رضا کنگرانی فراهانی آذر ۱۳۹۵**



## روستاها و بلایی به نام آقازاده ها

هجوم آقازاده ها به روستاهای قم عامل بزرگ کم آبی در این روستاها می باشد. در سال های پس از انقلاب به ویژه در دهه اخیر تعداد روستاهای متروکه قم هر سال بیشتر و بیشتر می شود. ۷۰ درصد روستاهای قم در بی آبی شدید قرار دارند. ولی آیا این بی آبی حاصل نباریدن باران است؟ یا استفاده غیرمجاز از چاه ها و قنات های روستاها؟ این استفاده های بی رویه توسط چه کسانی انجام می شود؟

در بعضی از شهرستان های قم مانند کهک آب لوله کشی فقط چند ساعت در روز جاری است که به دلیل حفر چاه های غیرمجاز توسط آقازاده ها صورت گرفته است. آیا بعد از گذشت ۳۸ سال از انقلاب و ۲۸ سال پس از پایان جنگ وضع شهرستان های چند هزار نفره باید این گونه باشد؟ البته هجوم آقازاده ها به روستاهای خوش آب و هوای قم باعث آسفالت شدن راهها شده تا راحتتر بتوانند تردد کنند. همچنین به مدد همین آقازاده ها در روستاها مواد افیونی فراهم و کارچاق کنی برایشان سود آور بوده است.

از زمانی که یک آقازاده در روستای خوش آب و هوای.... در قم باغی خریده اقدام به ساخت استخری بزرگ کرده که نیمی از آب روستا به مصرف این باغ می رسد. اهالی روستا بارها شکایت نامه به بخشدار نوشته اند ولی انکار بخشدار هم با آقازاده ها همدست هستند. آری خان ها رفته اند و آقازاده ها آمده اند. چرا شهرستان کهک با بیش از ۷ هزار نفر جمعیت چند ساعت در روز باید از آب لوله کشی برخوردار باشد. ولی باغ آقازاده ها استخر و آب ۲۴ ساعته داشته باشد؟

وضع درمانگاهها از موضوع آب هم بدتر است. درمانگاهها در روزهای تعطیل باز نیستند و باید تهیه داروها و مشکلات بیماری را به مرکز بخش برد. داروهای زیادی در درمانگاه موجود نیست و باید راهی بخش شد. از متخصصین حرفی نباید زد که حتا پزشکان داخلی هم به این روستاها پا نمی گذارند، چون برایشان صرف ندارد. در روستاهای قم آمبولانس نیست و باید با وانت مریض را تا بخش برد. شهرستان کهک حتا از داشتن پمپ بنزین و یا جایگاه سی ان جی هم برخوردار نیست

«سندیکاهای کارگری خواهان جلوگیری از تعطیل موسسات تولیدی تحت هر عنوان می باشند. تعطیلی هر کارخانه تولیدی، منافع ملی و امنیت ملی مان را هدف گرفته است»

دو شعر از حسین امیدی (ارومان)

«گنتدی»

گنچمیش خاطرینه ی. یازماغا خاطر

شاعیر کونلوم آتین میندیجه گنتدی

دونیادان نه بیسه یاز ابیلمه دیم

چیچک لنمبش عومو

روم سیندیجه گنتدی

بیلسه یدیم بئله سی اولاجاق سونو

بوراخمازدیم الدن بیر آندا اونو

یادیمدان چیخمابیر قیرمیزی دونو

سسی قولاغیمدان ایندیجه گنتدی

اورمان تک یام یاشیل اولاردیم منده

خیالا دالمازدیم شهلی چیمنده

کوچوب یادداشینا نازلیم هر گونده

دئمزدیم کونلومه ائندیجه گنتدی

حسین امیدی اورمان ۱۳۹۵/۹/۱۲ تهران

فهلہ ميدانيندا بئكار قاليب

اٺوه قاييداندا اوتانيرام

بيلميرم قاپيني نئجه

چاليم دئييرم ايندي

بالاجا قيزيملا بالاجا اوغلوم

قاپيني آچار

آتام گلدی دئييه دئييه

قباغيما قاجيب

منن پول ايسته يه جكلر

بس اونلارين اوزونه نئجه باخيب

نئجه يوخ دئييه جه بيم

بئكار چيليق بير دردی

جيبی بوشلوق مين درد

بو نئجه زاماندير

بیز ياشاييريق آخی؟؟؟؟!!!

ياشاييريق اولنده دئييه لر

راحات اولدو؟؟؟؟!!!

**حسين امیدی (اورمان)**

## اولین روز زندگی بعد از مرگ

«به نسرین رضایی»

اگر روزی بمیرم

تمام کتاب هایی را که دوست دارم

با خودم خواهم برد

قبرم را از عکس کسانی که دوستشان دارم پر خواهم کرد

و خوشحال از اینکه اتاق کوچکی دارم

بی آنکه از آینده وحشتی داشته باشم

دراز می کشم

سیگاری روشن می کنم

و برای همه دخترانی که دوست داشتم آغوششان بکشم

گریه می کنم

اما درون هر لذت ترسی بزرگ پنهان شده است

ترس از اینکه

صبح زود کسی شانه ات را تکان بدهد و بگوید؛

بلند شو سابیر باید برویم سر کار!

**(بیست و نهمین گزارش از کلاس های سواد آموزی ستایش در سال ۱۳۹۵)**

با لوح آموزش الفبا به کلاس رفتم. مرضیه با پرسش که سروصدای کودکانه داشت فضای کلاس را تغییر داد. بعد از چند بار تمرین در حرف "ف" ، مرضیه توانست بالاخره ف را درست تلفظ کند و دیگر پ نمی گفت ولی باز هم باید در جلسات آینده با او تمرین کنم. در آن روز متوجه شدم که ژ را هم چ تلفظ میکند و دوباره از روش گفتار درمانی استفاده کردم و به او یاد دادم که زبانش را طوری در دهانش قرار دهد که در زمان تلفظ ژ نوک زبانش قفلک بیاید. این کار را بارها با هم تکرار کردیم و چند بار مرضیه درست تلفظ کرد. احساس کردم خسته شده است. درکل (او خیلی زود خسته میشد) او را مرخص کردم و تمرین با دیگر شاگردانم را آغاز نمودم. خدیجه که دیگر سرکار نمی رفت وقت بیشتری برای تمرین داشت ولی نگرانی وضع اقتصادی عذابش می داد و همش در فکر بود. ساعت اول را با شاگردانم تمرین دیدن و نوشتن کردیم به این شکل که یک جمله از کتاب را به آنها نشان می دادم و می گفتم اول بخوانند و سپس آن را خوب نگاه کنند و در آخر جمله را در دفتر مشقشان املا نویسی کنند. من با این کار می خواستم دیدن را در آنها تقویت کنم. که خوب دیدن در املا نویسی بسیار تعیین کننده می باشد. پس از آن به آموزش SMS پرداختم. گوشی ام را در اختیار خدیجه گذاشتم و به او یاد دادم که از کیبورد گوشی چگونه استفاده و متنی را تایپ و سپس آن را پاک کند و دوباره تمرین را ادامه دهد. این کار به آنها اعتماد به نفس و رضایت مندی از کلاس داده بود. فاطمه می گفت که قراره به افغانستان برود و اصرار داشت این کار را هرچه زودتر یاد بگیرد تا بتواند با اقوام خود ارتباط برقرار نماید. در جلسات آینده هم باید این آموزش را تمرین و تکرار کنم تا ملکه ذهنشان گردد و فراموش نشود. سواد آموزی در قرن ۲۱ باید کاربردی در زندگی انسان باشد و نوآموز بتواند نیازهای شخصی اجتماعیش را از باسواد شدن به دست آورد و گرنه درجا زدن به روش قدیمی و سنتی راه به هیچ کجا نخواهد برد و به فاصله معلم و شاگرد منجر خواهد شد. در حالیکه آموزش مدرن می تواند تقویت کننده این رابطه باشد. خودم این را با گوشت و پوست وقتی شاگردانم را در آغوش میگیرم و صدای قلبشان را می شنوم، لمس کرده ام.

**همیشه آموزگار محبوبه فرح زادی**

## منشور شهروندی یا قانون اساسی

در حالی منشور شهروندی از طرف ریاست جمهوری ایران مطرح شد که قانون اساسی که حقوق ملت ایران را مشخص می کند در قسمت های بسیاری اجرایی نگردیده است.

ضرورت منشور شهروندی، از طرف روحانی که منشوری زیبا ولی ناکار آمد در برابر قانون اساسی مطرح کرده است، به هیچ وجه دیده نمی شود.

کلمات و جملاتی که به شعارهایی زیبا و دل فریب شبیه است و اجرایی بودن آن ها در هاله ای از ابهام قرار دارد برای حل مشکلات به هیچ کاری نمی آیند. بهتر است قانون اساسی را که از طرف نمایندگان ملت تدوین و تصویب گردیده است را برجسته کرده و در پی به اجرا درآوردن مواردی که مسکوت مانده باشیم و از اجرایی شدن آن ها سخن به میان آورد. تا به کمال قانون مندی از قانون اساسی رسیده و از آن فراتر رفته و به انسانیت که هدف نهایی زندگی جمعی انسان هاست برسیم. با اجرایی کردن قانون اساسی، رفع مشکلات ملت بدست می آید. در اشکال دیگری چون منشور شهروندی رفع مشکلات حقیقی مردم در حد حرف و شعار باقی خواهد ماند و اهداف دیگری را به ذهن متبادر می کند که از جمله آن ها انتخابات و ... است. و به تنها چیزی که منتهی نمی شود حل مشکلات مردم است.

## حمید کارگر فلزکار

آیا می دانید که:

- کارگرانی که به هر عنوان به این ترتیب روزهای جمعه کار می کنند، در مقابل عدم استفاده از تعطیل روز جمعه ۴۰ درصد اضافه بر مزد دریافت خواهند کرد

- مرخصی سالیانه کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند ۵ هفته می باشد. استفاده از این مرخصی، حتی الامکان در دو نوبت و در پایان هر شش ماه کار صورت می گیرد.

## سازمان های مردم نهاد و وظایف مبارزان

تاریخ مبارزات در رژیم های تمامیت خواه ثابت کرده است که برخورداری از یک نیروی مردمی و فراگیر، راهی جز فعال شدن مبارزین در سازمان های مردم نهاد و علنی کاری ندارد.

ارتباط های فراگیر علنی و مردمی به مبارزین این امکان را می دهد تا اندیشه ها و سیاست های خود را به میان مردم برده و ارزیابی کنند. صحت سیاست های متخذه و عملکرد مبارزین در این ارتباط های مردمی محک خواهد خورد. جنبش مسلحانه فارک در کلمبیا بعد از سالها مبارزه، زمانی که در ارتباط با مردم قرار گرفت، پشت میز مذاکره نشست. در شبلی این تعاونی های کارگری و یا صندوق های تعاون و به ویژه جنبش مادران قربانیان کشتار پینوشه، بود که با تجمع های مرتب خود مردم را با خواست های به حق خود آشنا نمود و روند پدید آمدن شکست دیکتاتوری پینوشه را فراهم آورد. تعاونی های مردمی در السالوادور و آشپزخانه های مردمی راه ارتباط با مردم و محک زدن سیاست های مبارزین و خواسته های مردم را باعث شد، تا مبارزین درک کنند تا چه حد به خواسته های مردم نزدیک هستند و تا چه حد دور و چه باید بکنند تا به مردم گره بخورند. جنگ ویتنام تا فراگیر نشد نتوانست پوزه بمب افکن های آمریکایی را به خاک بمالد.

نقش سندیکاهای کارگری چه سرخ و چه زرد در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد شکستن سکوت و تلطیف فضا برای ارتباط با مردم بود. سندیکاهای کارگران فلزکارمکانیک با همین فضا و ارتباط گیری با مردم توانست چهره های درخشانی چون فدایی راه بهروزی خلق جلیل انفرادی، اسکندر صادقی نژاد و ناصرگارسچی را پرورانده و رهبران با تجربه ای چون هدایت اله معلم و محمدجانجانیان از بافنده سوزنی را به جنبش آزادیخواهی تقدیم نماید.

سندیکاهای کارگری کفاش، خیاط، بنا، فلزکارمکانیک، بافنده سوزنی، قنرریز، شرکت نفت... توانستند با فضای موجود به آگاه کردن کارگران پرداخته و در جهت سازماندهی این عناصر کارگری در روزهای تعیین کننده ۲۱ و ۲۲ بهمن کمر دیکتاتوری شاه را بشکنند.

سندیکاهای زرد که در درون صفوف آن عناصر آگاه بطور غیر علنی سالها زحمت کشیده بودند و برای ریال ریال افزایش دستمزدها سخت کوشیده بودند

توانستند در راه اندازی اعتصاب های بزرگی به عظمت مردم ایران یاری کنند. خاموشی های شب های الله و اکبر گویان توسط سندیکای کارکنان برق تهران سازماندهی می شد تا مردم کمتر در تیررس ساواکی ها باشند. رانندگان سندیکاپشیرکت واحد با حایل کردن اتوبوس خود میان مردم و گارد همیشه شرمسار شاه، از کشته شدن تظاهر کنندگان جلوگیری کنند.

آنگاه که آگاهی به میان مردم رود حکومت های بی بنیان ترک خواهند خورد. برای تسخیر قدرت باید ارتباط مردمی را قوی تر کنیم. باید برای صحت ارزیابی ها و آگاهی از زیر پوست جامعه ارتباط تنگاتنگ تری با مردم داشته باشیم. برای شناساندن اینکه ما آرمان هایمان چقدر در میان توده ها نفوذ داشته و قابل پذیرش است، کار در سازمان های مردم نهاد بستری لازم برای این امر است.

اگر می خواهیم در تحولات جامعه موثر باشیم و وزن داشته باشیم، جز شرکت در سازمان های مردم نهاد و کاربردی کردن اندیشه ها و سیاست هایمان راه دیگری نداریم.

تا مردم مبارزان راه بهبودی خود را نشناسند، عملکردشان را در صحنه اجتماع و هر روزه ارزیابی نکنند، اعتماد نخواهند کرد و به میدان نخواهند آمد. همچنین تا مبارزان وزن و جایگاه خود را در پهنه اجتماع درنیابند، نمی توانند سیاست های درستی را برگزینند.

وزن اجتماعی هر گروهی جز در رای گیری، هرچند ناقص، ارزیابی نخواهد شد. باید به میدان کارهای مردمی آمد، سخت کوشید، آگاهی کسب کرد، به میان توده ها رفت و برایشان خدمت نمود تا سیاست های خود را در ذهن و روح آنان حک کرد و به نیروی مادی بدل کرد.

وقت تنگ است و سحر در می رسد،

توده را همراه شو.

**مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران**

**فلزکار مکانیک ایران**

**آذر ۹۵**



## من اقتصاددان نیستم، آیا تورم تک رقمی است؟

همه ما حقوق بگیرها گرانی را با تمام وجودمان حس می کنیم. اقتصاددانان دولتی می گویند تورم تک رقمی شده است. آیا تورم که باعث گرانی و کمتر شدن قدرت خرید ما حقوق بگیرها شده تک رقمی می تواند باشد؟ من اول از هزینه رفت و آمد که دست دولت است شروع می کنم. سال ۹۴ رفت و برگشت به دورترین مسیر با مترو بوده ۹۰۰ تومان که امسال شده ۱۲۰۰ تومان یعنی ۳۳ درصد زیاد شده. همین طور اتوبوس ها. اینها وسیله رفت و آمد همه حقوق بگیرهاست. کرایه خانه طبق گفته بانک مرکزی ۱۵ درصد اضافه شده که ما می پذیریم در صورتی که اینطور نیست.

برسیم به مواد غذایی. برنج ایرانی سال گذشته بود کیلویی ۸۵۰۰ تومان که امسال شده ۱۲ هزار تومان یعنی ۴۱ درصد زیاد شده. گوشت از سال گذشته که ۲۸ هزار تومان بوده امسال شده ۳۶ هزار تومان یعنی ۲۹ درصد زیاد شده، نرخ نان تغییری نکرده اما هر روز از وزنش کم می شود بقیه موارد غذایی هم همینطور.

اما تنها موردی که می شود گفت تورم در آن هر روز کمتر می شود و گران نمی شود دستمزد کارگران هست. با بیکاری دستمزد کارگران هر روز آب می رود. امسال به اصطلاح ۱۵ درصد به حقوق کارگرا اضافه شده اما حق مسکن بعد از دو سال، دولت گفته پرداخت بشه که خیلی ها پرداخت نمی کنند. اما موضوع مهمتر قراردادهایی است که با کارگر بسته میشود و در آن قرارداد کارگر را مجبور می کنند بپذیرد که بیمه نداشته باشد، بیش از ۹ ساعت کار کند، سنوات و مزایایی همچون شیر، رستوران، سرویس ایاب ذهاب، دستکش، لباس کار، ماسک، مرخصی جمعه و سالیانه، پاداش آخر سال را نگیرد و حتا کمتر از حقوقی که دولت گفته یعنی ۹۰۰ تومان بگیرد. این مال کسانی هست که کارفرمایش سروقت پولش را می دهد. اگر کارگرایی که شرکت های پیمانکاری پولشان را برمی دارد و فرار می کند یا در هیات های حل اختلاف با خریدن اعضای هیات، رای به نفع خود می گیرند و کارگرانی که حقوقشان ۴ ماه به ۴ ماه پرداخت نمی شود مثل کارگران پروژه ای را به همه کارگران سرشکن کنیم می بینیم که دستمزد کارگران بالا که نرفته هیچ، پایین هم آمده است. در اینجا می شود گفت که حرف اقتصاددانان دولتی درست است تورم در دستمزدها تک رقمی است

نبی اله معروفی عضو هیات مدیره سابق سندیکای  
کارگران بنا

## کارآفرین های برتر یا دزدان قانونی

پس از کارآفرینان برتر بابک زنجانی، شهرام جزایری، محسن پهلوانی به تازه گی اختلاسگر دیگری رونمایی شد.

در شماره ۴۷ نشریه پیام سندیکا به تاریخ خرداد امسال گزارشی را منتشر کردیم از شهر صنعتی فرامان و کارخانجات گلیم و گبه کرمانشاه که در آن ذکر کرده بودیم:

« اخیرا پس از ورشکست شدن کارخانه ها و کارگاه ها در شهر صنعتی فرامان ، فردی به نام آقای مشیری تحت پوشش صادرات فرش و جاجیم و گبه و گیوه کرمانشاه اقدام به خرید کارخانه های ورشکسته می کند و سریع راه اندازی می شود. یکی را تبدیل به مرکز آموزش بنام مکتب قالی کرمانشاه که از اهالی بومی از پیر و جوان را آموزش می دهد تا در آینده به تولید فرش صادراتی اقدام نمایند و ماهیانه به آنها مبلغ ۶۵۰ هزار تومان هم حقوق می دهد در زمان آموزشی؟؟ کارخانه هم جوار و روبروی را نیز بسیار ارزان خریداری کرده و یکی را تبدیل به ساخت عقیق و فیروزه کرده است و دیگری را به تولید گبه کرمانشاهی....»

آنچه که در این گزارش اهمیت دارد موضوع خرید کارخانه های ورشکسته است. در ضمن سپرده پذیری از مردم با سود ۳۰ درصدی شک برانگیز است. آیا او هم می خواهد با این سیستم معیوب اقتصادی به بابک زنجانی و شهرام جزایری دیگری تبدیل شود؟.. آیا محسن پهلوانی (پدیده شاندیز مشهد) دیگری در غرب کشور ظهور خواهد کرد؟؟ «

همانطوری که پیش بینی کرده بودیم آقای مشیری با اختلاس از ماه پیش به اصطلاح زندانی است.

مدیر کارخانجات فرش و گلیم و گبه کرمانشاه کیست؟؟

محمد رضا مشیری از سال ۹۰ پس از آزادی از زندان با ۲۵ فقره جرایم کیفری و جزایی و سوپیشینه در کارنامه اش و حتا سابقه سرقت مسلحانه در تهران، چند سالی در زندان اوین مهمان مسوولین بوده که پس از آزادی از زندان در سال ۹۰ فعالیت های خود را در زمینه تولید فرش آغاز کرد.

با حمایت های که در پشت پرده از او صورت گرفت با خرید ده ها کارخانه در شهرک صنعتی درود فرامان، کرمانشاه را به قطب اقتصادی تبدیل می گردد. با تبلیغات همه جانبه

ای که توسط بعضی از روزنامه و ارگان ها بسود ایشان صورت گرفت او به عنوان امین مردم جلوه داده شد .

۲۳ هزار نفر نزد ایشان سپرده گذاری میکنند. این روند با رشد سرطانی ادامه یافته به شکلی که بالغ بر دو هزار میلیارد تومان پول از مردم دریافت می کند. نامبرده صد راس اسب به مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان می خرد . ۸۰ دستگاه اتومبیل گران قیمت داخلی و خارجی خریده با وصف اینکه رانندگی هم بلد نبوده است.

حال باید پرسید چه کسانی به چنین فرد معلوم الحالی فرصت میدهند تا برای مدت ۵ سال به غارت مردم کرمانشاه بپردازد؟ آیا نشریه پیام سندیکا از وزارت اطلاعات هم قوی تر است که بوی اختلاس را ماهها قبل شنید و اعلام کرد؟ مافیا تا کجای این مملکت رسوخ پیدا کرده که هر بی سر پایی اجازه می دهد مردم را غارت کند و چشمانی برای رصد او نیست؟

هفته قبل عده ای از طلبکاران به دادگاه رفته برای وقت ملاقات اما معلوم شد ایشان نه در زندان بلکه در ویلایی در شمال خوش می گذرانند.

### نظری بر برنامه ششم توسعه

در "برنامه ششم توسعه" بر جذب "سرمایه های خارجی" به میزان ۲۲۵ میلیارد دلار تأکید شده است، این مبلغ جدا از تلاش برای جذب ۱۰۰ میلیارد دلار به منظور سرمایه گذاری در حوزه های "نفت" و "گاز" کشور است. زیرا، تصویب نامه قراردادهای نفتی جدا از "برنامه پنجم توسعه" در مجلس به تصویب رسید و پس از ابلاغ "رهبری" نظام برای اجرای آن، از شهریورماه سال جاری وارد مرحله اجرایی شده است.

سندیکاهای کارگری معتقدند که چه کسی ۲۲۵ میلیارد دلار بدهی خارجی همراه با بهره سالانه آنرا باید بپردازد؟ جز زحمتکشان ایران و خانواده هایشان؟؟ تجربه های تاریخی و جهانی نشان داده اند که بسیاری از کشورها با یک پنجم میزان این بدهی و بهره های سالانه آن به ورطه ورشکستگی در افتاده اند و به دولت های امپریالیستی وابسته شده اند. یونان پیش روی چشم ماست.

## پس از یک دوره مذاکرات و اعتصاب جمعی؛

### کارگران فلزکار ایتالیا موفق شدند رای خود را به کرسی بنشانند



به گزارش خبرنگار ایلنا، سه اتحادیه سراسری کارگران فلزکار ایتالیا در ۱۶ ماه گذشته، یک سلسله مذاکرات طولانی با کارفرمای اصلی این صنعت در این کشور برگزار کردند. این کارگران همچنین یک اعتصاب بیست ساعته نیز سازماندهی کردند و در نهایت در اواخر ماه نوامبر توانستند به یک توافق رضایت بخش دست پیدا کنند. این توافق بین سه اتحادیه فلزکار و فدراسیون کارفرمایان صنعت فلز این کشور منعقد شده و ۱/۶ میلیون کارگر این صنعت را در برمی گیرد. این قرارداد که یک قرارداد چتری است، سطح مزایای دریافتی کارگران را افزایش می دهد و براساس برنامه ریزی به اتحادیه های کارگری اجازه می دهد در از مدت برای بالاتر رفتن دستمزد کارگران مذاکره کنند.

در این قرارداد، حق آموزش ضمن خدمت برای کارگران به رسمیت شناخته شده و سطح مشارکت کارگران در اداره کارخانه ها و واحدهای تولیدی بالا رفته. همچنین کارفرمایان موظف شده اند برای کارگران خدمات بیمه تکمیلی فراهم کنند و قوانین ایمنی را سفت و سخت تر اجرا کنند.

فعالان کارگری فلزکار ایتالیا می گویند در این توافق جمعی، اهم خواسته ها ما لحاظ شده و در مجموع، این توافق یک موفقیت محسوب می شود.



## دستمزد مساوی و مرخصی زایمان حقوق انکارناپذیر زنان کارگر است!

حدود سه سال از تصویب قانون افزایش مرخصی زایمان زنان می‌گذرد اما به علت تأمین نشدن منابع آن از سوی دستگاه‌های دولتی و سنگ اندازی کارفرمایان بخش خصوصی اجرای عمومی این قانون به زمان نامشخصی موکول شده است. روزنامه ایران ۱۷ مهر ماه امسال در این باره گزارش داده بود: «اجرای این قانون حدود ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار می‌خواهد و تأمین نشدن این میزان بودجه نباید مانعی برای بهره‌مندی زنان شاغل از مزایای آن باشد.» زنان کارگر و کارمند تا کنون نه تنها از این قانون بهره نبرده‌اند، بلکه کارفرمایان بخش دولتی و خصوصی در پناه قوانین و نیز با توسل به پشتیبانی نهادهای حاکمیت، امنیت شغلی هزاران زن شاغل در سراسر کشور را پایمال ساخته و موجب بیکاری گسترده زنان کارگر و کارمند شده‌اند.

مطابق آمار رسمی، ۴۳ هزار زن در جریان مرخصی زایمان در دوره اخیر از کار اخراج شده‌اند. اخراج ۴۳ هزار نفر از زنان به دلیل استفاده از قانون مرخصی زایمان رومن مورد تایید قرار گرفته و زنان کارگر و کارمند به دلیل استفاده از این قانون امنیت شغلی‌شان به خطر افتاده است. هم اکنون نیز تعداد زیادی از زنان شاغل از این قانون استفاده نمی‌کنند.

اخراج گسترده زنان زحمتکش شاغل در حالی صورت می‌گیرد که مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در نخستین گردهمایی مشاوران امور بانوان شرکت شهرک‌های صنعتی سراسر کشور اعلام کرده است: “۹۰ درصد از مجموع ۸۸ هزار بنگاه دارای پروانه بهره برداری با اشتغال کمتر از ۵۰ نفر هستند و بنگاه کوچک به شمار می‌آیند. چهار هزار و ۳۵۰ بنگاه نیز با اشتغال ۵۰ تا ۱۰۰ نفر جزو بنگاه‌های متوسط محسوب می‌شوند؛ حداقل ۱۰ تا ۲۰ درصد از کارکنان این بنگاه‌ها و همچنین دو میلیون و ۸۰۰ هزار واحد صنفی پروانه دار در سراسر کشور را زنان تشکیل می‌دهند. (ایرنا ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۵)

با توجه به این برآورد آماری و مقایسه آن با آمار رسمی اخراج ۴۳ هزار زن در جریان مرخصی زایمان در دوره اخیر، می‌توان به ژرفای بی‌قانونی در حق زنان کارگر و کارمند پی برد و میزان فقر و سختی معیشت آن‌ها را از رهگذر اقدام‌های رژیم کارگر ستیز و زن ستیز به تصویر کشید.

مرخصی زایمان از حقوق انکارناپذیر زنان کارگر است. مطالبات زنان کارگر شامل موضوعاتی مانند: زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند، تبعیض جنسیتی در برخورداری از کار مناسب پایان یابد، حق انتخاب پوشش و آزادی آن برای زنان کارگر تضمین شود، حق زنان در استفاده از مرخصی با حقوق قبل و بعد از زایمان به رسمیت شناخته شده و اجرا شود و موارد دیگری از این قبیل است.

حضور در سندیکاهای کارگری و مبارزه برای تامین این مطالبات از وظایف مهم زنان کارگر و جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ماست. زنان کارگر بخش جدایی‌ناپذیر جنبش کارگری - سندیکایی در مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی بوده و هستند.



کار زنان از آغاز ارزان تر از کار مردان بود، دستمزد مرد در ابتدا طوری حساب می شد که بتواند احتیاجات خانواده را جابگو باشد. دستمزد زن در اوایل فقط برای رفع نیازهای یک فرد کافی بود، زیرا می گفتند که زن بعد از کار در کارخانه، به کار در خانه ادامه می دهد. می گفتند « زن قابلیت کمتری دارد و در نتیجه به نیروی کار او مزد کم تری تعلق می گیرد. به علاوه زن در مجموع احتیاجاتش کمتر از مرد است!»

امتیاز زن به چشم سرمایه دار این است که نه تنها قیمت کمتری دارد بلکه از مردان مطیع تر است. سرمایه دار با سواستفاده از این دو عامل، دستمزد کمتری به زن زحمتکش پرداخت و به علت رقابت، از این طریق دستمزد مردان را کاهش داد.

سرمایه به همین ترتیب از کار کودکان استفاده کرد تا مزد زنان را پایین آورد و از کار ماشین برای پایین آوردن ارزش کار انسان سود برد.

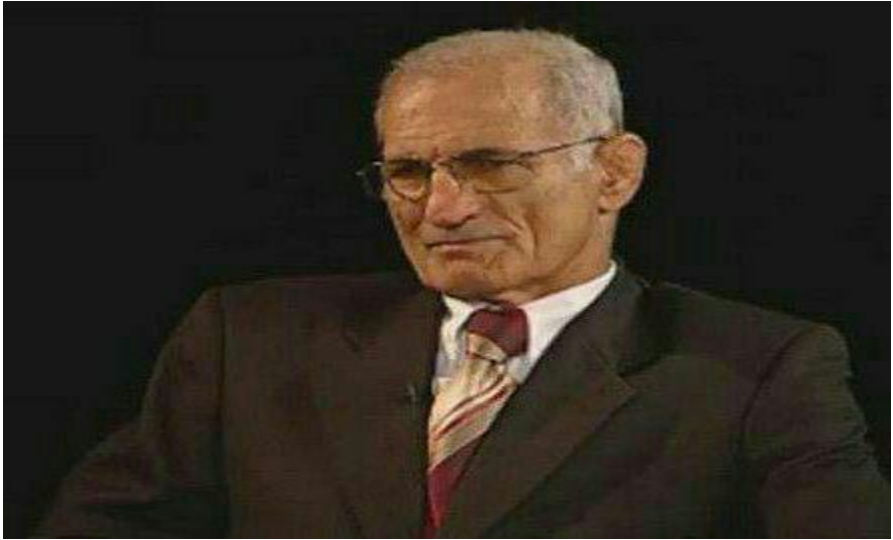
**کلارازتکین**





"خانم معلم شجاع" صخره نورد الیگودرزی برای ایمنی دانش‌آموزان سنگهای دیوار مدرسه را پیچ کرد.





عبداله موحد کشتی گیر خوش فکر، ۶ طلایی کشتی آزاد جهان و المپیک، فنی ترین کشتی گیر همیشگی جهان، مهمان برنامه روح پهلوانی شبکه ورزش شد. ولی با داشتن کراوات مانع ورودش شدند. ایشان قبول نکردند بدون کراوات وارد برنامه شوند.

قابل ذکر است که عبداله موحد سالهاست در امریکا زندگی و مربیگری می کند. مسوولین ورزش کشتی آمریکا بارها از او خواسته است مربی تیم ملی کشتی آمریکا شود و هر مبلغی هم که بخواهد به او پرداخت خواهد کرد. اما او تاکنون قبول نکرده است.

این در شرایطی است که مافیای کشتی ایران از تجربه او نه تنها استفاده نکرده است بلکه چنین رفتار تحقیرآمیزی را به او روا می دارد.

مردم ایران قهرمانان خود را هیچگاه از یاد نخواهند برد.

درد بر جهان پهلوان عبداله موحد



## کار تو حرف ندارد.

در هشتم ژانویه سال ۱۹۵۹ وقتی کاسترو گفت به جای زندان، مدرسه ساخته شود، نظر کامیلو سینفونگوس را پرسید که او اینگونه پاسخ داد:

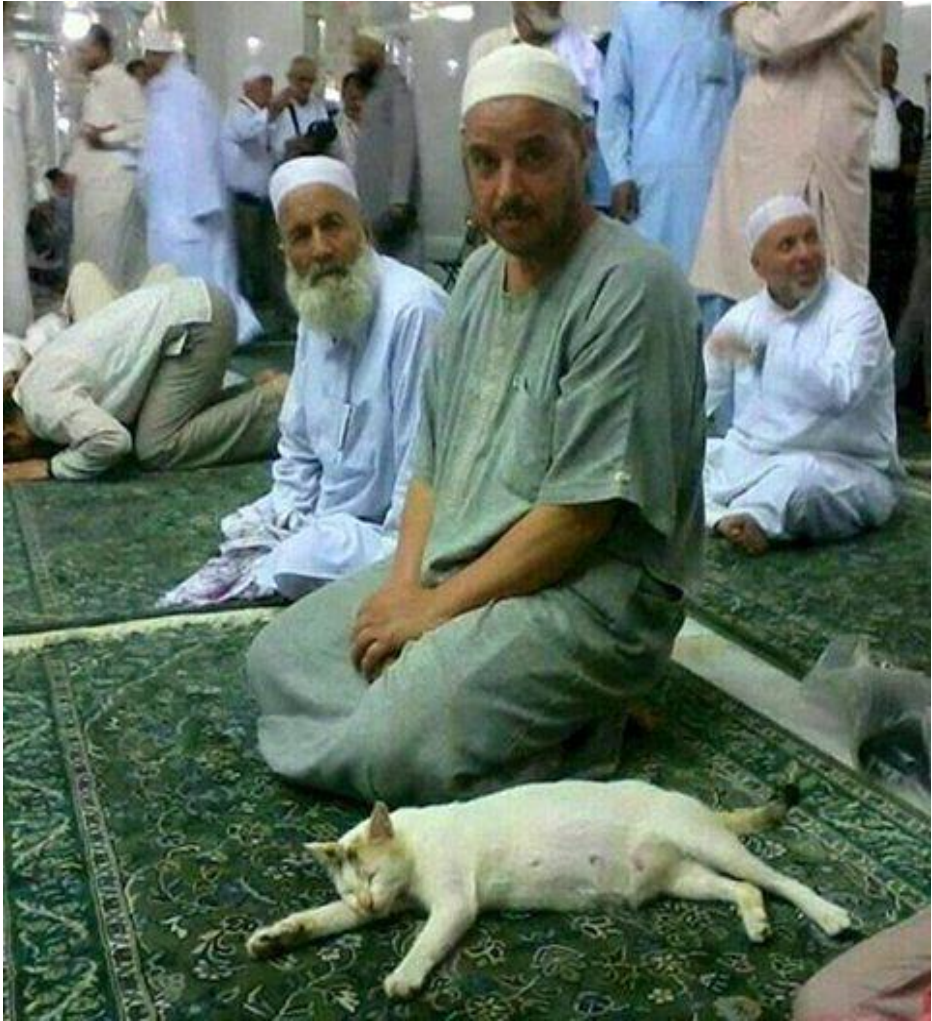
### Vas bien, Fidel کار تو حرف ندارد.

آیا واقعاً عملکرد رهبری کوبا و شخص فیدل کاسترو، حرف ندارد؟

البته ساختن مدرسه به جای زندان حرف ندارد و کار بسیار درستی است. فیدل تمام صنایع کشورش را ملی کرد، خصوصی سازی نکرد. آموزش رایگان برای تمام افراد مجانی کرد، مدرسه غیر انتفاعی و دانشگاه غیردولتی درکشورش وجود ندارد. بهداشت و بهداری را برای تمام مردم مجانی کرد. خودش و مدیران بمنظور شفاف سازی همه ساله میزان درآمد و موجودی حسابشان به اطلاع مردم می رساندند. نشنیدیم درکشورش کارتون خواب وجود داشته باشد. نشنیدیم درکوبا بر اثر گرسنگی کسی مرده باشد.

روحیه انقلابی و ایثار را درخدمتگذاران جامعه تقویت کرد. بطوریکه هر کجای دنیا بر اثر حوادث طبیعی یا شیوع امراض همه گیر احتیاج به خدمات پزشکی بود حضور و فداکاری پزشکان کوبایی چشمگیر بود.

آری مواردی که بر شمردیم نه تنها آرزوهایی دست نیافتی برای مردم ایران بلکه برای بسیاری از کشورهای جهان است.



اینجام صراست. گربه ای در کنار نمازگزاران آرمیده است. آیا در این هوای سرد درهای مساجد به روی مخلوقان خدا باز خواهد شد؟؟

از متولیان امر می خواهیم درهای مساجد را به روی کارتن خواب ها و دیگر انسانهایی که پناهگاهی ندارد، باز کنند.



اگر واقعا فکر می کنید اهمیت محیط زیست کمتر از اقتصاد است،  
سعی کنید نفستان را حبس کنید و پول هایتان را بشمارید!